

خانواده

ایرانی اسلامی



محمد تقی صرفی پور



خانواده

ایرانی اسلامی

1- خانواده و تربیت فرزندان

2- خانواده و برخورد با مشکلات

3- خانواده و معنویات

4- خانواده و شادی

5- خانواده و عزاداری

6- خانواده و بهداشت

7- خانواده و صله ارحام

8- خانواده و اقتصاد

9- خانواده و علم و دانش

10- خانواده و محبت

11- خانواده و دیدار دوستان

12- خانواده و کارهای خیر (عیادت مریض - کمک به نیازمندان)

1- خانواده و تربیت فرزندان

رسول گرامی خدا ص مکرراً در رابطه با تربیت فرزندان توصیه کرده‌اند و والدین را به توجه و انجام صحیح مسؤولیت‌هایشان تشویق نموده‌اند، حضرت فرمودند: «وَالرَّجُلُ فِي أَهْلِهِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالْمَرْأَةُ فِي بَيْتِ زَوْجِهَا رَاعِيَةٌ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْ رَعِيَّتِهَا...».

«مرد سرپرستی و اداره زن و فرزند را بعهده دارد و زن نیز در خانه شوهرش سرپرست و مسؤول امور فرزندان می‌باشد و در رابطه با آنان خدایتعالی در روز قیامت از او سؤال خواهد کرد».

«أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسَنُوا أَدَبَهُمْ».

«فرزندان خود را تربیت کنید و آنان را با اخلاق نیکو شایسته، آراسته سازید».

«مَرُوا أَوْلَادَكُمْ بِأَمَثَالِ الْأَوَامِرِ، وَاجْتَنَابِ النَّوَاهِي، فَذَلِكَ وَقَايَةُ لَهُمْ مِنَ النَّارِ».

«خود امر کنید که دستورات خدا را اطاعت کنند و از آنچه خدا بر حذر می‌دارد دوری نمایند که این راه محفوظ ماندن آنان از آتش عذاب الهی است».

والدین کودک را با خود به مساجد و مجالس اهل بیت ع و دیگر مجالس مذهبی ببرند. و او را به نماز سفارش کنند.

کودکانی که در زیارتگاهها و مراسم موالید و عزاداری اهل بیت (ع) و مساجد حضور می یابند، از برکات این مجالس مستفیض خواهند شد و علاقه به اهل بیت (ع) در وجود آنها ریشه پیدا می کند و گاه آثار مثبت مهمی در زندگی آنها جا می گذارد.

بردن کودک به مساجد و مجالس جشن مذهبی و عزاداری و شنیدن صدای قرآن با صوت دلنشین، و دیدن اقامه نماز بزرگ ترها و مشاهده زمزمه های عاشقانه انسان ها در تلطیف روح کودکان مؤثر است.

«حضرت زهرا (س) برای اینکه فرزندانش در شبهای احیاء خوابشان نبرد، روز قبل آنها را می خواباندند و همچنین موقع احیاء اگر فرزندی خوابش می برد، آب به صورتش می زدند. تا از فیض شب قدری بهره نمانند.»

(امام باقر (ع) بعد از نماز صبح نمی گذاشتند نوجوانان بخوابند بلکه اگر قرآن بلد بودند می فرمودند قرآن بخوانند و هر که بلد نبود می فرمودند ذکر بگویند. و این تا طلوع آفتاب ادامه داشت)

امام صادق (ع) درباره شیوه تربیتی که خودشان بر آن عمل می کردند و سیره خاندان ایشان بود، می فرماید: انا نأمر صبیاننا بالصلاه و الصیام ما اطاقوا اذا کانوا

أبناء سبع سنين؛ ما هنگامی که کودکانمان هفت ساله می شوند به اندازه ای که طاق‌ت دارند آنان را به انجام نماز و روزه فرمان می دهیم.

پیامبر(ص) می فرماید: اکر م‌وا اولادکم و احسنوا آدابهم یغفر لکم؛ فرزندان خود را گرامی بدارید و خوب تربیتشان کنید تا گناهان شما آمرزیده شود. (مکارم الاخلاق، ص ۲۲۲)

رسول اکرم(ص) می فرماید: ایشان در این باره می گوید: ادبوا اولادکم علی ثلاث خصال: حب نبیکم و حب اهل بیته و قراءه القرآن؛ فرزندان خود را به کسب سه خصلت تربیت کنید: دوستی پیامبرتان و دوستی خاندانش و قرائت قرآن. (غررالحکم، حدیث ۸۸۴۴ و نیز کنز العمال، ج ۱۶، ص ۶۵۴، حدیث ۹۰۴۵۴)

پیامبر اکرم ص فرمودند:

«مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ، وَاضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا، وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرِ، وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ».

«وقتی بچه‌هایتان به سن هفت سالگی رسیدند آن‌ها را به نماز خواندن امر کنید و چنانچه به ده سالگی رسیدند و نماز نخواندند و امر شما را اطاعت نکردند، آنان را تنبیه کنید! از ده سالگی به بعد جای خواب بچه‌هایتان را از هم جدا کنید.

فرزند را با القاب خوب صدا بزنیم

برای پدر و مادر و هیچکس دیگر جایز نیست که فرزند را با القاب زشت صدا کند، القابی مانند: تنبل، بی عرضه، بی دست و پا، نادان، بی عقل و مانند آن، زیرا خدای تعالی می‌فرماید:

﴿وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ﴾ [الحجرات: 11].

«و به یکدیگر القاب زشت ندهید».

زیرا القاب زشت اثر بزرگی در انحراف شخصیت روحی و اجتماعی فرزند خواهند داشت و او را عقده ای و ناراضی از خانواده بار خواهد آورد.

«چه بسیارند پدران و مادرانی که اگر فرزندشان حتی یک بار از سنن و قوانین اخلاقی تخطی کند او را بدنام کرده و در مقابل جمع به او توهین می‌کنند.

اگر یک بار دورغ گفت، او را دروغگو صدا می‌زنند، اگر یک بار خواهر یا برادر کوچکترش را کتک زد، او را شرور لقب می‌دهند، اگر یک بار سیب خواهرش را به زور بگیرد، او را زورگو می‌نامند و اگر قلم برادرش را از جیبش بردارد، دزد نامیده می‌شود و اگر از او بخواهیم برایمان یک لیوان آب بیاورد و اطاعت نکند در مقابل دیدگان خواهر و برادرش و یا سایرین به تنبلی متهم می‌شود».

یکی دیگر از نمونه‌های تحقیر و اهانت به کودکان صدا زدن آنان با کلمات ناشایست و عبارات زشت در جمع خانواده و یا دوستان است. گاهی والدین پا را از این هم فراتر گذاشت و در مقابل دوستان کودک یا حتی افراد بیگانه به فرزند خویش توهین می‌کنند. بدون تردید اینگونه برخوردها با کودک باعث می‌شود که احساس کند. موجودی بی‌ارزش و حقیر است که دیگران برایش اعتباری قائل نیستند، با این احساس به تدریج عقده‌های

روانی در درون او شکل می‌گیرد که خود عامل ایجاد تنفر، حقد و کینه نسبت به سایرین می‌شود بنابراین در آینده، انسانی خواهد بود که از مردم می‌گریزد و از زیر بار مسؤولیت‌ها و وظایف خود شانه خالی می‌کند.

از اینجاست که متوجه می‌شویم بعضی از والدین، مربیان و معلمان چه جنایت بزرگی در حق فرزندان‌شان مرتکب می‌شوند و با دست خویش با این گونه رفتارهای خشن و بی‌رحمانه و تحقیرهای نابجا، آنان را به جانب حیاتی آکنده از خطا و انحراف سوق می‌دهند.

ما چگونه می‌توانیم از فرزندانمان انتظار اطاعت، نیکی و احترام به بزرگتر و تعادل روحی و ثبات اخلاقی داشته باشیم در حالی که از همان کودکی با دست خود بذر عقده‌های روانی و سرپیچی و تمرد را در وجودشان می‌کاریم!

-اگر فرزند دختر است، اهمیت حجاب و عفاف را در مناسبت‌های مختلف به او گوشزد نماید و نگذارد که با لباس نامناسب در کوچه و خیابان ظاهر شود. یا بانامحرمان دوستی کند.

خدایتعالی در سوره احزاب می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَائِكَ أَلَمْؤُومِينَ يُدْرِكُنَّ عَلَىٰ هِنَّ مِمِّنْ جَلِّبِهُنَّ ذَلِكِ أَدْنَىٰ ۖ أَلَّا يُعْرِفَنَّ فَلَا يُؤْذَىٰ ۖ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا﴾ [الأحزاب: 59].

«ای پیامبر، به زنان و دختران و سایر زنان مسلمان بگو که جامه‌ای گشاد بپوشند (تا محاسن و زیبائیهایشان را بپوشاند) و این مناسب‌ترین راه است که آنان را از زنان مشرک تمیز دهند و آزار ننمایند و خداوند محققاً بخشایشگر و مهربان است».

و در سوره نور می‌فرماید:

﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ﴾ [النور: 30-32].

«ای محمد!» بگو که مردان مؤمن چشم‌هایشان را از نگاه به نامحرم باز دارند و اعضای تناسلی خود را از زنا و فعل حرام حفظ کنند که به تقوی و طهارت نزدیک‌تر است. به تحقیق خداوند بر هر آنچه که می‌کند آگاه است و به زنان مؤمن بگو که چشم خود را از نگاه حرام باز دارند و اعضای تناسلی خود را از فعل حرام حفظ کنند و زینت‌های خود را ظاهر نکنند، مگر آنچه ظاهر می‌شود و مقنعه‌های خود را بر گریبان خود اندازند، و زینت‌های خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهرانشان و پدرانشان و...».

رسول خدا ص فرمود: «صنفان من أهل النار لم أرهما: قوم معهم سياط كأذناب البقر يضربون بها الناس، ونساء كاسيات عاريات، مائلات، مميلات، ورؤوسهن كأشنة البخت المائلة، لا يدخلن الجنة ولا يجدن ريحها، وإن ريحها ليوجد من مسيرة خمسمائة عام».

«دو گروه در قیامت اهل آتشند که حالا وجود ندارند اما در آینده خواهند بود، گروه اول: قدرتمندان ظالمی هستند که شلاق‌هایی مانند دم گاو در دست دارند، (کنایه از ابزار و

اسلحه ظالمین برای ارباب و شکنجه مردم) که با آن مردم را می‌زنند و گروه دوم: زنانی که لباس بر تن دارند اما از فرط تنگی و شفافیت لباس، عریان هستند، با ناز و کرشمه راه می‌روند و چشم و قلب مردم را بسوی خود جذب می‌کنند و موهایشان را مانند کوهان شتر بر روی سر جمع کرده و بالا می‌آورند، ایندو گروه به بهشت وارد نمی‌شوند و حتی بوی آن هم به مشامشان نمی‌رسد، بهشتی که بوی آن را از فاصله 500 سال می‌توان احساس کرد».

خدایتعالی خطاب به زن مسلمان می‌گوید:

﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ آلِ جَاهِلِيَّةٍ أَلْأُولَىٰ ۚ﴾ [الأحزاب: 33].

«در منزل‌هایتان بمانید! (بغیر از ضرورت خارج نشوید) و مانند جاهلیت پیش از اسلام خود را آشکار نسازید».

و در آیه دیگری می‌فرماید:

﴿وَإِذَا سَأَلَ تَمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَلِّ لَّهُنَّ مِّنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ۚ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ﴾ [الأحزاب: 53].

«و اگر از آنان (اشاره به همسران پیامبر) متاعی در خواست نمودید از پشت پرده‌ای باشد که این عمل برای قلب شما و آنان پاکیزه‌تر است».

پیامبر خدا ص فرمود: «لا یخلون رجل وامرأة إلا كان الشيطان ثالثهما»، «هر زن و مردی با هم خلوت کنند، شیطان نیز حتماً همراه آندو خواهد بود».

رسول خدا ص فرمودند: «إياكم والدخول على النساء، فقال رجل: يا رسول الله! أفرايت الحمو (أى قريب الزوج)؟ قال: الحمو الموت». «از داخل شدن به مکانی که زنی تنها در آن است پرهیزید». پرسیدیم: ای رسول خدا، آیا نزدیکان شوهر می‌توانند وارد شوند؟ پیامبر ص فرمود: «قوم و خویش نزدیک شوهر مرگ است» (مقصود آنحضرت ص این بوده است که این ممنوعیت برای نزدیکان شوهر بسیار شدیدتر است).

از «ابن عباس» روایت شده است که رسول اکرم ص فرمودند: «لا يخلون أحدكم بامرأة إلا مع ذی محرم».

«هیچکدام از شما نباید با زنی خلوت کند مگر آنکه محرم زن همراه او باشد».

«ابوسعید» می‌گوید: رسول خدا ص فرمود که از نشستن در راه‌ها پرهیزید! گفتیم ای رسول خدا ص ما در راه با یکدیگر برخورد می‌کنیم و به ضرورت با یکدیگر سخن می‌گوئیم پس ناچاراً در جایی برای مدتی با هم توقف کرده و جمع می‌شویم. فرمود: پس اگر در راهی جمع شدید حق راه را ادا کنید! گفتیم حق راه چیست؟ ای رسول خدا ص، فرمود: «به نامحرم نگاه نکنید! به کسی آزار نرسانید! سلام را جواب بگوئید! امر به معروف و نهی از منکر نمائید».

بدیهی است که اگر تمامی انسان‌ها از پیرو جوان، زن و مرد، کوچک و بزرگ، حاکم و محکوم و... این مبانی ارزشمند و جاودان را برگزینند و براساس آن زندگی کنند و از هر آنچه کرامت و فضیلت انسانی را لکه‌دار می‌کند، پرهیزند و برهنگی و اختلاط زن و مرد را کنار بگذارند، در فاصله‌ای نه چندان زیاد جوامع بشری به گلستانی از فضایل اخلاقی تبدیل خواهد شد و انسان سرگشته امروزی در سایه آن با اطمینان و آرامش روحی به حیات

خویش ادامه می‌دهد و برای خواهی رفت که نتیجه‌اش سعادت جاودانی است، چنین جامعه‌ای برنامه و دستورالعمل خدای خود را در زندگی خویش اجرا کرده است و حقیقتاً چرا این راه تا به این حد پر ثمر و ارزشمند است؟

جواب روشن است، زیرا طریقی است که خالق انسان برایش ترسیم کرده است مسلماً بهترین راه نیز خواهد بود. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَنَّ هَٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ ۖ فَاتَّبِعُوهُ ۚ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ۚ ذَٰلِكُمْ وَصَىٰ بِهٖ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝۵۳﴾ [الأنعام: 153].

«این راه راست من است از آن پیروی کنید و به راه‌های دیگر نروید که متفرق خواهید شد، (و از راه من دور نشوید) اینچنین پروردگارتان به شما سفارش کرد، شاید که پرهیزگار شوید».

اسلام روی پاکدامنی و عفاف خانواده مخصوصاً زنان و دختران تأکید زیادی دارد. زیرا عفاف باعث استحکام خانواده و ناپاکی باعث ازهم پاشیدگی خانواده خواهد شد. رعایت روابط محرم و نامحرم و رعایت پوشش درمقابل بیگانه اثرات مثبتی در خانواده ایجاد می‌کند.

حجاب دختر تا اندازه زیادی به حجاب مادر و طرز فکر و تقید مادر به حجاب بر می‌گردد. چه بسا مادرانی که خود حجابی دارند ولی از کودکی دختران خود را همچون عروسک! زینت و آرایش نموده و با خود در کوی و برزن و مجالس

عروسی و مهمانی‌ها به نمایش می‌گذارند اما نمی‌دانند که چگونه دختر خود را از راه عفت و حیا دور کرده و او را به انحرافات سوق می‌دهند.

- برای آموزش قرآن به فرزندش برنامه ریزی کند.

یکی از حقوق فرزند بر والدین این است که به قرآن یاد دهند.. پدر و مادر باید در مورد تعلیم قرآن به فرزندش همواره تأکید و جدیت داشته باشند همانطور که در مورد لباس و غذای کودکش توجه دارد.

«یکی از مؤمنین می‌گفت که وقتی ما بچه بودیم در روستا زندگی می‌کردیم، پدرمان ملایی را از شهر آورد و خرج مسکن و غذا و حقوقش را به عهده گرفت تا او در چند ماه بما قرآن بیاموزد. و او هم این کار را انجام داد و ما دوبرادر قرآن را در کودکی فرا گرفتیم»

امام حسین و معلم قرآن فرزندش

در ایام نوجوانی نظارت کامل بر معاشرت فرزندش داشته باشد.

«فرمانده نیروی انتظامی: 75 درصد انحرافات نوجوانان در بین راه مدرسه تا خانه رخ می‌دهد.»

از عوامل اساسی دیگر که منجر به انحراف فرزند می‌شود، دوستان بد و همراهان فاسد است. خصوصاً زمانی که فرد از لحاظ ذهنی رشد مناسبی ندارد و از جهت عقیدتی ضعف داشته و سست اخلاق باشد، خیلی سریع تحت تاثیر رفیق بد قرار می‌گیرد و بزودی از این دوستان فاجر و فاسق، اخلاق منحط و عادات زشت و ناپسند را کسب می‌کند و همراه آنان به سرعت براه شقاوت و بدبختی گام می‌نهد، تا اینکه جرم و خلاف کاری جزو طبیعت او می‌شود و تبهکاری برای او به عادت تبدیل می‌شود که پس از این مرحله باز گرداندن او براه راست و نجات از باتلاق بدبختی و انحرافی که هر لحظه بیشتر در آن فرو می‌رود و از مسیر منحرفی که وارد آن شده است، بسیار مشکل می‌شود.

یکی از نکات مهم در تعالیم تربیتی که باید والدین و مربیان به آن توجه نمایند، دوستان و رفقای نزدیک بچه‌های آنهاست، بخصوص در سن نوجوانی این موضوع اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

باید رفت و آمدهای آنان تحت نظارت و بررسی والدین باشد و بدانند که به کجا می‌روند و به چه کارهایی مشغولند و آنها را راهنمایی کنند تا دوستان شایسته‌ای انتخاب کنند که آداب مطلوب و اخلاق ارزشمند و عادات پسندیده را از آنان کسب کنند و آنان را بر حذر دارند تا با همنشینان ناشایست و رفیقان بد، نشست و برخاست نکنند تا در دام گمراهی و انحراف گرفتار نشوند.

در اینجا رهنمودهای دین مبین اسلام در رابطه با منع فرزندان از معاشرت با دوستان بد و رفقای ناباب تقدیم حضور خوانندگان عزیز می‌گردد.

خدایتعالی در باب دوستی با افراد نااهل می‌فرماید:

﴿وَيَوْمَ يَعْصُ الْأَمْرُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يٰلَيِّتَنِي أَخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا ۚ ۲۷
 يٰلَيِّتَنِي لَيِّتَنِي لَمْ أَخَذْ فَلَانًا خَلِيلًا ۚ ۲۸ لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذٍ جَاءَنِي ۚ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا ۚ ۲۹﴾ [الفرقان: 28-30].

«روزی که شخص ظالم انگشت حسرت بدهان می‌گیرد و می‌گوید: ای کاش! همراه رسول خدا بودم و فلانی را بعنوان دوست و همراه انتخاب نمی‌کردم، او باعث شد بعد از آنکه طریق هدایت را یافتم، گمراه شوم و از راه راست منحرف گردم و براستی که شیطان انسان را بسیار پست و حقیر می‌کند».

و همچنان می‌فرماید:

﴿قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطَّغَىٰ تَهُ وَهَلْ كَانِ فِي ضَلٰلٍ بَعِيدٍ ۚ ۲۷﴾ [ق: 27].

«(در قیامت)، قرین انسان گمراه (موجودی که قرین شخصت اوست) می‌گوید: پروردگارا من او را به طغیان وادار نکردم، بلکه خودش در گمراهی دوری بود».

و در سوره زخرف می‌فرماید:

﴿أَلْأَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا آلَ الْمُتَّقِينَ ۚ ۶۷﴾ [الزخرف: 67].

«دوستان و یاران صمیمی، آنروز (روز قیامت) دشمن یکدیگرند، مگر انسان‌های متقی (که دوستی آن‌ها برای خدا بوده است)».

و رسول اکرم ص می‌فرماید: «الْمَرْءُ عَلَىٰ دِينِ خَلِيلِهِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مِنْ يَخَالِلٍ».

«هر انسانی پیرو دین دوست نزدیک خود است، پس هر یک از شما خوب بیاندیشد که با چه کسی صمیمی است».

• «ابن سینا» در سفارش‌های خود راجع به تربیت فرزند می‌گوید: «کودک باید در مکتبه (محل آموزش) همراه کودکانی باشد که اخلاقی نیکو و عاداتی پسندیده دارند، زیرا کودک از دوستان هم سن و سالش بیشتر تأثیر می‌پذیرد و بهتر یاد می‌گیرد و نسبت به آنان مأنوس‌تر است».

متأسفانه جوانانی هستند که بوسیله سی دی ای فاسد و مجالس و دوستان فاسد، به فساد اخلاق مبتلا شده و در کمین نوجوانان معصوم و بی اطلاع هستند تا آنان را شکار کنند. لذا به مادران و پدران باید هشدار داد که تا زمانی که نوجوان به رشد عقلی بالایی نرسیده نظارت کامل و صد درصد بر معاشرت فرزندانشان اعم از دختر و پسر نموده و لحظه‌ای از آنان غافل نباشند. حاضر نشوند شبی به بهانه دوست و رفیق در خارج از خانه بمانند و یا با دوستان به مسافرت بروند و خلاصه دور از دید والدین دلسوز خود باشند. همانطور که باغبان مدتها زحمت می‌کشد تا گل‌هایش به ثمر برسند والدین باید از راحتی خود چشم‌پوشند و مواظب روحيات فرزندانشان باشند.

حضرت مجتبی علیه السلام نیز در تربیت فرزندان خویش به نقش حساس دوست و همبازی برای کودک عنایت ویژه‌ای مبذول می‌داشت و به فرزندش می‌فرمود: «يَا بُنَيَّ لَا تُؤَاخِ أَحَدًا حَتَّى تَعْرِفَ مَوَارِدَهُ وَمَصَادِرَهُ، فَإِذَا اسْتَنْبَطْتَ الْخَبْرَةَ، وَرَضِيتَ الْعِشْرَةَ، فَأَخِ عَلَيْهِ إِقَالَةَ الْعَثْرَةِ، وَالْمُوَاسَاةَ فِي الْعُسْرَةِ؛ (11) فرزندم! با هیچ کس دوستی مکن، مگر اینکه از رفت و آمد [و ویژگیهای روحی، اخلاقی و رفتاری] او آگاه شوی. هنگامی که دقیقاً بررسی و

تحقیق کردی و رضایت به معاشرت با او دادی، آن گاه با او براساس چشم‌پوشی از لغزشها
«و یاری کردن در سختیها برادری و دوستی کن

همچنین آن حضرت در بخشی از سخنانش که به جناده بن امیه، در آخرین روزهای
زندگی با برکت خویش بیان کرد، به نشانه‌ها و علائم دوست خوب و شایسته اشاره می‌کند
و می‌فرماید: «وَ إِذَا نَارَعْتَكَ إِلَى صُحْبَةِ الرَّجَالِ حَاجَةً، فَاصْحَبْ مَنْ إِذَا صَحِبْتَهُ زَانِكًا، وَإِذَا
خَدَمْتَهُ صَانِكًا، وَإِذَا أَرَدْتَ مِنْهُ مَعُونَةً أَعَانَكَ، وَإِنْ قُلْتَ صَدَقَ قَوْلُكَ، وَإِنْ صَلَّتَ شَدَّ صَوْلُكَ،
وَإِنْ مَدَدْتَ يَدَكَ بِفَضْلِ مَدَّهَا، وَإِنْ بَدَتْ عَنْكَ ثُلْمَةٌ سَدَّهَا، وَإِنْ رَأَى مِنْكَ حَسَنَةً عَدَّهَا، وَ
إِنْ سَأَلْتَهُ أَعْطَاكَ، وَإِنْ سَكَتَ عَنْهُ ابْتَدَأَكَ، وَإِنْ نَزَلَتْ بِكَ إِحْدَى الْمِلَمَاتِ وَاسَاكَ، مَنْ لَا
يَأْتِيكَ مِنْهُ الْبَوَائِقُ، وَلَا يَخْتَلِفُ عَلَيْكَ مِنْهُ الطَّرَائِقُ، وَلَا يَخْذُلُكَ عِنْدَ الْحَقَائِقِ وَإِنْ تَنَارَعْتُمَا
مُنْقَسِمًا آثَرَكَ؛ (12) اگر نیاز پیدا کردی که با کسی مصاحبت [و دوستی] کنی، با کسی
مصاحبت کن که وقتی همراهیش می‌کنی، زینت تو باشد و هنگامی که به او خدمت می‌کنی،
از تو صیانت و پاسداری کند. زمانی که از او کمک خواستی تو را یاری کند. و اگر سخن
گفتی، قول تو را راست و درست شمارد و اگر با او ارتباط داشتی، احترام و هیبت تو را
بیش‌تر نگه دارد و چنانچه دستت را برای [کسب] فضلی دراز کردی، همراهی کند و اگر
آسیمی برایت بروز کرد، جبران‌ش کند و در صورتی که از تو نیکی ببیند، به حسابش آورد و
اگر از او چیزی بخواهی، بدهد و چنانچه با او سخن نگفتی، او ابتدای به سخن کند و اگر امر
ناراحت‌کننده‌ای بر تو وارد شد، همراهی کند. از ناحیه او مشکل و سختی به تو نرسد.
راههای او بر تو مختلف نباشد [و با تو یک رنگ و صاف باشد]. و در امور حق تو را تنها
«نگذارد و اگر در تقسیم کردن اختلاف کردید، تو را بر خود مقدم کند

تحف العقول عن آل الرسول، حسن بن شعبه حرانی، نشر جامعه مدرسين، 1404 ق، (11).
ص 233.

بحار الانوار، الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج 44، ص 140 و مستدرک الوسائل، (12).
ج 8، ص 211.

- پدری که فرزندش را به مدارس بیگانه و دانشگاههای مسیحی می فرستد تا از فکر آنان تغذیه شود و آموزش ها و رهنمودهای ضروری را از مبلغان مسیحی دریافت کند، بدون تردید گمراهی و لغزش در وجودش نقش می بندد و تار و پود شخصیتش بتدریج با کفر و بی دینی آمیخته می شود و در درونش احساس تنفر و بیزاری از اسلام نضج می گیرد و نسبت به دین اسلام عداوت و کینه پیدا خواهد کرد.
- پدری که رهبری و راهنمایی فرزندش را به مربی یا استادی ملحد و شرور وا می گذارد که اصول عقیده کفر را در ذهن او جای داده و بذر گمراهی را در اعماق قلبش بکارد، مسلماً فرزندش به انسانی تبدیل خواهد شد که عقیده او بر مبنای اندیشه الحادی و افکار مادی و ضد دینی شکل گرفته است.
- پدری که فرزندش را آزاد می گذارد تا هر چه از کتاب های مادی و ضد دینی که می خواهد بخواند و خرده گیری ها و اتهامات بی اساس مبلغین اهل کتاب و کشورهای استعمارگر را مطالعه کند، بدیهی است که بزودی فرزندش نسبت به عقیده و دین خود شک کرده و گذشتگان خود را به تمسخر می گیرد و عملاً به ابزاری برای مبارزه بر علیه اسلام تبدیل می شود.

• پدری که فرزندش را افسار گسیخته و به حال خویش رها می‌کند تا با دوستان بد و گمراه رفاقت و مصاحبت کند و تفکرات گمراه کننده و اندیشه‌های وارداتی را در ذهن خود جای دهد، بدون شک بزودی تمامی ارزش‌های دینی و مبانی فطری ادیان و احکام را به باد تمسخر می‌گیرد.

• پدری که به فرزندش مجال می‌دهد تا به جانب احزاب الحادی و کافر تمایل پیدا کند و به دسته‌های ضد دینی بپیوندد و در گروههایی وارد شود که از جهت عقیدتی و فکری و تاریخی هیچ ارتباطی با اسلام ندارند، مسلماً فرزند خویش را با دست خود به جانب عقاید گمراه سوق می‌دهد و چنین انسانی بر مبنای کفر والحاد پیش خواهد رفت و وسیله‌ای برای جنگ علیه مقدسات و ادیان بدل می‌شود. بقول شاعر:

ولیس النبت ینبت فی جنان کمثل النبت ینبت فی الفلاة

و هل یرجى لأطفال کمال إذا ارتضعوا ثدى الناقصات

«گیاهی که در باغی با صفا می‌روید با آنکه در برهوت رشد کرده است، یکسان نیست. آیا از بچه‌هایی که از پستان زنان نالایق و پست شیر می‌خوردند، می‌توان انتظار کمال و بزرگی داشت».

شایسته است که معلمین و مربیان و بویژه والدین، این مسؤولیت‌های خطیر را در پرورش ایمانی و آموزش مبادی اسلام دریافته و ابعاد این امر واجب را بخوبی درک کنند تا تمامی کسانی که وظیفه تربیت را بعهدہ دارند، این مهم را که همانا پرورش فرزند براساس تربیت کامل ایمانی است بنحو احسن انجام دهند.

در جستجوی برای ریشه‌یابی عوامل فساد و انحطاط اخلاقی به این نتیجه خواهیم رسید که غفلت و بی‌توجهی و عدم اهتمام به راهنمایی و تربیت فرزندان از عوامل بسیار مهم است.

- پدری که فرزندش را رها می‌کند تا با دوستان بد معاشرت کند، بدون آنکه از او در مورد رفقاییش سؤال کند یا نظارتی بر او داشته باشد، بدون تردید بزودی از اخلاق سوءهمنشینان متأثر می‌شود و لغزش پیدا می‌کند.
- پدری که به فرزندانش اجازه می‌دهد فیلم‌های سکسی و جنایی را ببینند که حتی افراد بزرگسال را نیز مجذوب خود می‌کند با دست خویش دانسته یا ندانسته فرزندانش را از دره‌ای هولناک پایین می‌اندازد که سرانجامی جز نابودی ندارد.
- پدری که بچه‌هایش را به حال خود وا می‌گذارد تا تصاویر تحریک‌کننده و برنامه‌های مبتذل و آهنگ‌ها و رقص‌های مستهجن را با خیالی آسوده ببینند و گوش کنند، بدون تردید موجب فساد اخلاقی و بی‌بندوباری فرزندان خود شده است و شخصیت آنان را از معانی و خصایل انسانی و غیرت و آداب ارجمند اسلامی تهی خواهد کرد.
- پدری که به فرزندانش اجازه می‌دهد مجلات مملو از تصاویر و داستان‌های شهوت‌انگیز خریداری کنند، بدون تردید بزودی بسوی فحشا و اعمال منافی عفت کشیده می‌شوند و به جای آموزش علم، روش دوستی‌های کذایی و نحوه ارتباط جنسی را یاد می‌گیرند.
- پدری که در رابطه با حجاب زن و افراد خانواده‌اش بی‌تفاوت است و کاری به برهنگی و خودآرایی آنان ندارد و از هم‌نشینان و دوستان آن‌ها غافل است و راه را برای آنان باز گذاشته است تا با ظاهری منحرف‌کننده و عریان از منزل خارج شوند، بدون شک آنان را برای زندگی پر از گناه و منکر آماده می‌کند و بزودی آنان را در دام انحراف

اخلاقی و فساد و فحشا گرفتار می‌بیند و چه بسا که نهایتاً سبب آبروریزی شوند و عفت و شرف خویش را لکه دار کنند و آنوقت است که پشیمانی سودی ندارد. شاعر در این باره می‌گوید:

أَتَبْكِي عَلٰى لَبْنِي وَأَنْتِ قَتَلْتَهَا لَقَدْ ذَهَبْتَ لَبْنِي فَمَا أَنْتِ صَانِعٌ؟

«آیا برای لبنی گریه می‌کنی در حالیکه عامل اصلی مرگ او خودت بودی لبنی رفت و دیگر کاری از تو بر نمی‌آید».

- پدری که به وضعیت درسی فرزنداناش هیچ توجهی ندارد و بر امر پیشرفت درسی آنان نظارت نمی‌کند، فرزنداناش اگر در طریق انحراف باشند خود را آزاد و مجاز می‌دانند تا هر تصویر عریان یا مجله مبتذل را خریداری کنند و هر نام‌های که می‌خواهند برای معشوقه خویش بنویسند و بدین ترتیب بتدریج به جانب فساد و بی‌بند و باری گام بر می‌دارند بدون آنکه مانع و رادع دینی یا درونی داشته باشند، در این شرایط است که باز گرداندن آنان و اصلاح و درمان آن‌ها بسیار مشکل خواهد بود.

- تربیت به وسیله نصیحت

- یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تربیت ایمانی و رشد اخلاقی، روانی و اجتماعی کودک، تربیت به وسیله نصیحت و موعظه است، زیرا نصیحت اثر قابل توجهی در روشن‌بینی فرزند نسبت به حقایق امور دارد. موعظه نیکو و شایسته، فرد را به جانب امور عالی و بلند مرتبه معنوی، و فهم و درک عمیق مبانی اسلامی سوق می‌دهد. بنابراین تعجبی ندارد اگر بدانیم قرآن کریم در مواضع متعددی از این روش استفاده

کرده است و روان آدمیان را مخاطب قرار داده و در آیات متعددی تکرار نموده است.

• در این جا نمونه‌هایی از نصایح و مواعظ مکرر قرآنی - که بیانگر سودمندی تذکر به این شیوه است - را بیان می‌کنیم.

• خدای تعالی در سوره «لقمان» می‌فرماید:

• ﴿وَإِذْ قَالَ لُقْمَنَّ لِبْنِ لَابَنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَبْنِي لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ۝ ۱۳ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَلَدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصْلُ لُحْلُ فِي عَامِي نِ أَنْ أَشْكُرَ لِي وَلَوْ لَدَىٰكَ إِلَىٰ آلِ مَصِيرٍ ۝ ۱۴ وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لِيَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ۚ وَصَاحِبَ هُمَا فِي الدُّنْيَا مَعَ رُوفٍ ۚ وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ ۱۵ يَبْنِي إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثَاقًا حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاءِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۝ ۱۶ يَبْنِي أَقِمِ الصَّلَاةَ وَآمُرْ بِالْعَمَلِ وَالْعَمَلِ وَالْعَمَلِ وَالْعَمَلِ عَنِ الْإِنْسَانِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزَمِ الْأُمُورِ ۝ ۱۷﴾ [لقمان: 12-17].

• «و یاد کن آن دم را که «لقمان» به فرزند خود گفت - در حالی که او را پند می‌داد - ای پسرکم به خدا شرک نیاور که شرک ستمی بزرگ است و انسان را نسبت به والدینش سفارش کردیم، مادرش به ناتوانی بر ناتوانی او را حمل نمود و از شیر بریدنش در دو سالگی بود که برای من و والدینت سپاس به جای آور، سرانجام و بازگشت به سوی من است و اگر بکوشند تا چیزی را که نمی‌دانی شریک من گردانی پس اطاعت‌شان

مکن و در این دنیا به نیکی همدمشان باش و راه کسی را که به سوی من بازگشته است پیروی کن، پس بازگشت شما به سوی من است، پس شما را از آنچه کرده‌اید باخبر می‌سازم. ای پسرک من! اگر عمل (رفتار و کردار بندگان) هم وزن دانه خردلی در سنگی یا در آسمان‌ها و یا در زمین باشد، خداوند آن را بیاورد، (به حساب می‌آورد) زیرا خداوند دقیق و آگاه است. ای پسرک من نماز را به پای دار و به معروف امر کن و از منکر نهی نما و بر مصایب خود صبور باش که این، از امور واجب است».

- در سوره «سبأ» انبیای الهی - علیهم‌السلام - از جانب خدای تعالی می‌گویند:
- ﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَحْدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ نَفْسٍ ۖ وَفَرَدَىٰ ۖ ثُمَّ تَتَفَكَّرُونَ ۚ مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ ۚ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ ۚ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيَّ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۖ ۴۶ قُلْ مَا سَأَلَ تَكُفُّ مِنْ أَجْرٍ ۖ فَهُوَ لَكُمْ ۖ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۖ ۴۷ قُلْ إِنْ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَٰلِمْ أَلْ غُيُوبِ ۖ ۴۸ قُلْ جَاءَ أَلْ حَقُّ وَمَا يُبْدِيهِ أَلْ بَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ ۖ ۴۹﴾ [سبأ: 46-49].

- «بگو همانا من شما را به یک امر پند می‌دهم که دو دو و یک یک برای خدا برخیزید، آن‌گاه بباندا بشید که در صاحب شما (مقصود رسول گرامی خداست) جنون نیست، او فقط برای شما بیم‌دهنده‌ای است که پیش از وقوع عذاب شدید، به شما خبر می‌دهد. بگو من از شما هیچ پاداشی [برای ادای رسالت] نمی‌خواهم، اجر من فقط با خداست و او به هر چیزی گواه است. بگو به راستی خدای تعالی حق را با حجت و برهان استوار، آشکار می‌سازد، او دانای غیب‌هاست، بگو حق آمد و باطل باز نیاید و یارای بازگشتنش نیست»

• در سوره «هود» نیز درباره حضرت «نوح» این چنین آمده است:

• (قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَدَلْتَ تَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدْلَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ٣٢ قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُمْ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ٣٣ وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ٣٤) [هود: 32-34].

• «گفتند: ای نوح! با ما مجادله کردی و جدال و برخورد ما را بسیار نمودی، پس آنچه که به ما وعده داده‌ای بیاور! اگر راست می‌گویی. «نوح» فرمود: خدای تعالی هر وقت بخواهد آن را (عذاب را) می‌آورد و شما نمی‌توانید مانع او گردید و اگر خداوند بخواهد شما را گمراه کند، نصیحت من به شما نفعی نمی‌رساند، اوست پروردگار شما و به سوی او برگشت داده می‌شوید».

• هم چنین در سوره «اعراف» درباره حضرت «هود» آمده است:

• ﴿وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا ۖ قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ۖ أَفَلَا تَتَّقُونَ ٦٥ قَالَ أَلَمْ أَكُ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنِّي لَنَرِيكَ فِي سَفَاهَةٍ ۖ وَإِنِّي لَنظُنُّكَ مِنَ الْكَافِرِينَ ٦٦ قَالَ يَا قَوْمِ لِيَ سَبِي سَفَاهَةٍ ۖ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ أَلْعَلَّكُمْ أَتِلَوْا رَسُولَ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ٦٨﴾ [الأعراف: 65-68].

• «و به سوی قوم عاد، برادرشان «هود» را فرستادیم. گفت: ای قوم من، خداوند را عبادت کنید، برای شما غیر از الله پروردگار دیگری ملجأ و مقصد و فرمان‌روا و فریادرس دیگری نیست. گروهی که از قوم او که کافر بودند، گفتند: ما حقیقتاً در تو سفاکت می‌بینیم و به راستی تو را از دروغ‌گویان می‌دانیم. «هود» گفت: ای قوم من، من

سفیه نیستم بلکه پیامبری از جانب خداوند می‌باشم، پیام‌های پروردگارم را به شما می‌رسانم و برای شما پند گوینده‌ای امینم...».

• چنان‌که می‌بینیم قرآن کریم روش‌های متنوعی در دعوت به جانب خداوند یا تذکر او و موعظه و نصیحت دارد. شیوه‌ای که بر زبان انبیا جریان یافت و طریقی که زبان داعیان و پیروان آنان دوباره برای انسان‌ها تکرار می‌کنند.

• بدون تردید هنگامی که نصیحت و پند، با نیتی خالصانه صورت بگیرد و روحی پاک، قلبی باز و عقلی حکیم و اندیشمند، مستمع آن باشد، نافذتر است و سریع‌تر اجابت می‌شود.

• قرآن کریم این حقیقت را در آیات متعددی تأکید می‌نماید و سودمندی تذکر و نافذ بودن کلمات هدایت‌گر و نصیحت ارزشمند را بیان می‌دارد.

• ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ﴾ [۳۷: ۳۷].

• «محققاً در آنچه که بیان گردید، عبرتی است برای آن‌که دلی دارد و با حضور قلب گوش فرا دهد».

• ﴿وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ رَىٰ تَنْفَعُ أَلَمْؤَمِّينَ﴾ [الذاریات: ۵۵].

• «و تذکر بده زیرا تذکر و پند برای مؤمنان سودمند واقع می‌شود».

• ﴿وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَكِّيٰ ۚ أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرُ ۚ﴾ [عبس: ۳-۴].

• «و چه می‌دانی؟ شاید او طالب پاک شدن است یا می‌خواهد پند گیرد که به او نفعی رساند».

• ﴿تَبٰٓصِرَةٌ ۚ وَذِكْرَی ۚ لِكُلِّ عِبْدٍ مُّنبِی ۚ﴾ [ق: ۸].

• «تا مایه بصیرت و تذکری گردد برای هر بنده‌ای که به حق رو کند».

• ﴿ذٰلِكَ ذِيْ رَّيِّ۬ۤ لِلَّذِّ۬ كِرِيْنَ ۙۙ﴾ [هود: 114].

• «این تذکری است برای پندگیرندگان».

• ﴿ذٰلِكُمْ يُوْعَظُ بِهٖۙ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِۙۙ اَلْاٰخِرِۙۙ﴾ [الطلاق: 2].

• «و به وسیله این (آنچه برای شما بیان کردیم) پند می‌گیرد کسی که به خداوند و روز قیامت ایمان دارد».

• تعداد آیاتی که شیوه پند و نصیحت را در دعوت اسلامی مورد استفاده قرار می‌دهد بسیار زیاد است. طریقی که به اصلاح فرد و راهیابی و هدایت گروه‌های مختلف انسانی منجر می‌شود. کسی که فقط قرآن را ورق بزند پدیده «طریقه پند» را به شکل ملموسی در بسیاری از آیات قرآن مجید می‌بیند. گاهی با یادآوری تقوی و پرهیز الهی و یا توجه به تذکر یا موعظه و تشویق به نصیحت یا تشویق به پیروی از راه راست و یا به کار بردن روش تهدید، پند و نصیحت الهی را با اسلوب متنوع و مفاهیم مختلف بیان می‌کند تا هر انسان صاحب بصیرتی دریابد که در تربیت روان انسان‌ها از دیدگاه قرآن، پند و اندرز نقش بسیار مهمی دارد که موجب گرایش به حق و استجاب دعوت می‌شود.

• و قبلاً نیز گفتیم که اگر روحی پاک، قلبی باز، و عقلی دقیق و دوراندیش با این مواعظ ارزشمند برخورد کند آن‌ها را با تمامی وجود می‌پذیرد.

• اثر مهم پند و اندرز، و پذیرش قلبی آن که تا حال مطرح شد مربوط به افراد بزرگسال بود، به طریق اولی چون کودک فطرت و قلبی پاک دارد و هنوز به نجاست گناه و سایر مفاسد جاهلی و انواع و مراتب مختلف خلاف و تبهکاری، آلوده نشده است،

بدون تردید پند و اندرز در او اثر بسیار بهتری خواهد گذاشت و با قدرت بیشتری او را جذب خواهد کرد.

- بر حذر داشتن از سرگرمی‌های حرام
- دین اسلام بر مبنای شریعت بلند مرتبه و اصول حکیمانه‌اش بعضی از انواع سرگرمی و مشغولیت‌ها را حرام اعلام کرده است زیرا در نهایت بر اخلاق و افراد و اقتصاد جامعه و کرامت امت اسلامی و موجودیت حاکمیت و روابط ارزشمند خانوادگی اثر سوء برجای می‌گذارند.
- در اینجا تعدادی از این محرمات را خدمت خواننده گرامی بیان می‌دارم، امید آنکه خود الگو شوند سپس جوانان و فرزندان خویش را از آن بر حذر دارند، مقصد ما رضایت الهی است پس از او یاری می‌طلبیم و موفقیت خویش را از او در خواست می‌کنیم.

● ۱- قماربازی

قمار عبارت است از بازی بین دو نفر یا دو گروه یا چند نفر که موجب سود یک طرف و زیان طرف مقابل است به صورتی که برد و باخت بر مبنای اتفاق و شانس باشد.

دلیل تحریم قمار گفته خداوند متعال است که می فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا أَلْخَمَ رُ وَالِّمَى سِرُّ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزَلُّ مُمْ
رَجَّسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ ٩٠ إِنَّمَا يُرِيدُ
الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَى نَعْمُ أَلْغَدَوَّةٌ وَالْبَغْضَاءُ فِي أَلْخَمِّ رِ وَالِّمَى سِرِّ
وَيَصِدَّكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ ۖ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ٩١) [المائدة: 90-91].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حقیقت شراب و قمار و انصاب و ازلام پلید و از جمله اعمال شیطانی هستند از آن دوری کنید شاید رستگار شوید. بدرستی که شیطان می‌خواهد بوسیله شراب و قمار بین شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از خداوند و نماز باز دارد آیا باز هم به این اعمال پایان نمی‌دهید»

(انصاب بت‌های سنگی بود که از کنار آن‌ها قربانی می‌کردند و ازلام تیرها و اوراق بخت آزمایی و غیب گویی بود)^۱.

حکمت تحریم قمار

- قمار موجب می‌شود که آدمی به جای اتکاء به کار و کوشش زندگی خود را مبتنی بر تصادف و شانس نماید و به جای دسترنج بازوی خود و ریختن عرق جبین و ارزش قائل شدن برای وسایل مشروع کار، به آرزو و خیالات پناه برد.
 - قمار اساس و بنیاد خانواده‌ها را متلاشی می‌کند جیب‌های پر را خالی می‌کند، خانواده‌های ثروتمند را فقیر و افراد محترم را پست و بی‌آبرو می‌نماید و چه بسیارند.
 - سرگذشت عزیزان ذلیل شده و اغنیاء فقیر شده به سبب قمار به افلاس و فلاکت رسیدند.
 - چون قمار مال باد آورده و باطل است موجب ایجاد کینه و دشمنی بین دو طرف بازی کننده می‌شود.
 - قمار آدمی را از ذکر خداوند و نماز باز می‌دارد و طرفین بازی را به سوی بدترین رذائل اخلاقی سوق می‌دهد و موجب زشت‌ترین عادات می‌گردد.
- بی‌هقی روایت می‌کند که پیامبر اکرم (ص) به گروهی بر خورد کرد که مشغول بازی

^۱ - توضیح از مترجم است

تخته نرد بودند فرمود(قلب آنان سرگرم امری بیهوده دست‌هایشان مشغول عملی بی‌ارزش است و زبان‌شان سخنان نامربوط جاری می‌سازد).

- قمار مشغولیت گناهکارانه‌ای است که نیرو و وقت آدمی را تلف می‌کند و فرد را دچار تنبلی و سستی می‌نماید و موجبات عقب‌ماندگی اجتماعی در زمینه تولید و فعالیت اقتصادی است.

- قمار آدمی را به جانب بزهکاری و ارتکاب انواع جرایم اخلاقی سوق می‌دهد زیرا فرد مال باخته و مفلس برای بدست آوردن پول و انجام قمار به هر طریقی دست می‌یازد هر چند از طریق سرقت و عصب اموال دیگران باشد یا به وسیله رشوه اختلاس حاصل گردد.

- قمار موجب اضطراب و نگرانی فکری و انواع بیماری‌های روانی است عامل ایجاد کینه و دشمنی است که غالباً به ارتکاب جرائم یا خودکشی و جنون می‌انجامد. و همان طور است که استاد قرض‌اوی می‌فرماید آنانکه به این پول باد آورده عشق می‌ورزند، بعید نیست که به خاطر آن، دین و آبرو و وطن خود را نیز بفروشند.

و از جمله بازیهای حرام، اوراق و بلیط‌های بخت آزمایی است زیرا بلیط‌های بخت آزمایی مبتنی بر شانس و تصادف است این ویژگی، آن را به نوعی قمار بدل می‌سازد و جائز نیست که در ارتباط با آن سهل‌انگاری و تسامح شود و مجاز اعلام گردد هر چند به اسم جمعیت‌های خیریه و یا سایر اهداف انسانی باشد زیرا قماري که در بین اعراب جاهل قبل از اسلام متداول بود در نهایت به جهت انجام امور خیریه و نیکوکاری اجتماعی توجیه می‌کردند و گاهی نیز برندگان قمار تمامی مبلغ برده شده را در جهت امور فوق‌الذکر مصرف می‌کردند، این اقدامات تا حدی به برگه‌های اعانه امروزی شبیه است که برای امور

خیریه و انسانی مصرف می‌گردد. اما باید آگاه باشیم که از نظر اسلام شعار «هدف وسیله را توجیه می‌کند» از جمله عقاید مخرب و ویرانگری است که یهود آن را ابداع کرده است که از آن پلی بسازد تا به مقاصد خویش نائل گردد در صورتی که اسلام در راه رسیدن به اهداف انسانی و ارجمند فقط مسیر مشروع و ابزار مطلوب را جایز می‌داند. اما رسیدن به مقصد را از طریق چنانچه از طریق پاک و درست تحقق نیابند و مبتنی بر عواطف خیرخواهانه و نیک منشانه نباشند فاقد ارشند.

از جمله انواع قمار شرط بندی بر سر انواع بازی‌ها مانند، شطرنج کبوتر (کبوتر بازی) یا فوتبال و غیره است به این صورت که دو طرف مقابل هم یا سایر شرکت کنندگان مبلغی را در میان گذاشته برداشت آن یا از دست رفتن آن را مشروط به سر انجام بازی می‌کنند در واقع به نوعی به پوکی دست می‌یابند که هیچ تلاشی برای آن نکرده‌اند

• ۲- گوش دادن به موسیقی و ترانه

• از جمله موارد حرام استماع موسیقی همراه ترانه است هر چند مضمون آن قابل قبول باشد. همچنین است ترانه یا آهنگی که غریزه جنسی را تحریک کند یا در وصف زن معینی گفته شود یا اینکه به مفاهیم ضد دینی و گمراه کننده دعوت نماید و امثال این‌ها.

• در روایتی از «ابن عساکر» در کتاب تاریخش آمده است که «انس بن مالک» گفت: هر کس در پای ترانه آوازه خوانی بنشیند در قیامت گوش‌هایش را از سرب مذاب پر می‌کنند.

• همچنین در روایتی از «ترمذی» به نقل از حضرت علی ع آمده است: آنگاه که امت من مرتکب پانزده عمل ناشایست شوند، بلا بر آنان نازل خواهد شد این اعمال که شامل موارد زیر است:

• وقتی که اموال، [در میان عده‌ای معدود] دست به دست شود و امانت، غنیمت به شمار آید و زکات [دادن] ضرر محسوب شود و مرد از زنش اطاعت می‌کند و با مادرش قطع رابطه می‌کند، به دوستش نیکی می‌کند و به پدرش جفا روا می‌دارد صدای مردمان در مساجد بلند می‌شود افراد فاسق قبایل بر آنان ریاست می‌کنند و پست‌ترین افراد جامعه رهبر جامعه می‌شوند و به افراد، [بدی و] شرشان احترام می‌گذارند شراب نوشیده می‌شود، لباس‌های حریر بر تن پوشیده می‌شود و آوازه‌خوانی و آلات موسیقی رواج می‌یابد و نسل جدید امت پیشینیان را لعنت کند پس در این شرایط باید منتظر طوفانی سرخرنگ یا خواری یا تغییر قیافه [و مسخ شدن] باشند.

پیامبر ص فرمود: پروردگارا مرا به عنوان رحمت و برکت جهانیان فرستاد و امر نمود که تارو فلوت و شراب و بت‌ها را نابود سازم.

سینماها و تئاترهای شبانه و کافه‌ها و کاباره‌های کذابی نیز حرام است به دلایل ذیل:

1- یکی از مقاصد اصلی شریعت اسلامی حفظ نسب و آبرو و نوامیس مردم است در حالیکه این نمایش‌ها و این چنین فیلم‌ها بی‌نهایتی جز به هدر دادن شرف و حیثیت

مردم را در پی ندارند پس ورود به چنین اماکنی و دیدن چنین برنامه‌هایی موجب خشم خدا و پیامبر او خواهد بود و فرد را به گناه آلوده می‌سازد.

2- بر مبنای روایت «مالک» از نبی اکرم ρ که فرمود در اسلام «ضرر رساندن و ضرر دیدن» جایز نیست و چون از طرفی این چنین برنامه‌هایی موجب انحراف اخلاقی و تحریک شهوانی و ترغیب به جانب زنا خواهند شد بنابراین بر اساس امثال امر پیامبر خدا ρ در جهت حفظ اخلاق فرد و جامعه و ریشه‌کنی فساد و بی‌بند و باری رفت و آمد به این مکانها حرام است.

3- برنامه‌های تلویزیون و سینما و تئاتر آمیخته با موسیقی‌های محرک سازهای حرام و رقص‌های وحشیانه و عریان است که این خود موجب تحریم آن‌ها خواهد بود.

4- اما هر چند اسلام از جانبی انواعی از سرگرمی‌ها را به دلیل ضرر جسمی و روحی و اثرات نامطلوب اجتماعی تحریم کرده است از جانب دیگر تعداد دیگری از سرگرمی‌های را مباح نموده است تا با آسودگی و نشاط بیشتر به انجام مسئولیت اجتماعی خود مبادرت نموده و بتدریج بتواند خود را برای جهاد در راه خدا مهیا سازند.

5- حضرت علی ع می‌گوید: قلب‌ها مانند جسم‌ها خسته می‌شوند پس راه‌هایی بیابید که به روشی حکیمانه به قلوب خود استراحت و نشاط ببخشید و همچنین می‌گوید:

6- هر لحظه سعی کنید تا به قلوب خود نیرو و نشاط بخشید، زیرا آنچه به اکراه به قلب خود تحمیل می‌کنید موجب کوری آن می‌شود.

7- پس اشکالی ندارد که مسلمان بازی کند تفریح نماید و شوخی کند، به شرط آنکه آن را به عادت تبدیل نکند و صبح و شب خود را با آن پر نکند و در جایی که جای جدی بودن است شوخی نکند و در هنگام کار و انجام وظیفه سهل انگار نباشد و چه

زیباست ضرب المثلی که می‌گوید در وقت مناسب به سرگرمیهایی که شرع اسلام
آن‌ها را حلال اعلام نموده است پردازید بهمان مقداری که به غذا نمک می‌ریزید.
8- بازیها و مسابقاتی که شرع اسلام آن‌ها را حلال اعلام نموده است.

۹- (أ) مسابقه دو

10- یاران پیامبران مسابقه دو ترتیب می‌دادند و پیامبر اکرم (پ) ایشان را به انجام
آن ترغیب می‌کرد.

11-

۱۲- (ب) کشتی

13- «ابوداود» روایت می‌کند که نبی اکرم (پ) با یکی از پهلوانان عرب به نام
«رکانه» کشتی گرفت و بر سربک گوسفند شرط بندی کردند، پیامبر (پ) بر او غلبه کرد
و پشتش را به خاک رساند گفت یک بار دیگر کشتی بگیریم باز هم پیامبر خدا (پ)
پیروز شد و بار سوم نیز برد با حضرت رسول (پ) بود. «رکانه» گفت: به خانواده‌ام چه
بگویم؟ یکی از گوسفندانم را گرگ خورد و یکی فرار کرد برای سومی چه
بگویم؟ پیامبر خدا (پ) فرمود ما جمع نشده‌ایم که تو را بر زمین بزنیم و موجب ضرر تو
باشیم، گوسفندان را بردار و برو!

۱۴- (ج) تیراندازی

15- از جمله سرگرمی‌های مشروع تیراندازی و مسابقه با وسایل و سلاح‌های
جنگی است.

16- قبلاً در ارتباط با ترغیب پیامبر خدا در مورد مسابقه تیراندازی بحث کرده‌ایم.

اما باید به این نکته توجه داشته باشیم که حضرت رسول اکرم ρ یاران را نهی می‌کرد که حیوانات یا سایر جانداران را به عنوان هدف تیراندازی خود انتخاب کنند، این اقدام رسمی جاهلی بود.

17-

۱۸- (د) مسابقه با نیزه (پرتاب نیزه)

19- رسول خدا ρ به حبشی‌ها اجازه داد که در حیاط مسجد با هم بازی کنند و نمایش دهند. و این وسعت نظر و بزرگواری از جانب پیامبر خدا که چنین اعمالی را در مسجد شریف اجازه داد. جمع کردن حکیمانه بین دنیا و دین است و بین عبادت و جهاد که این حرکات بیهوده نیست بلکه ورزش است که مقدمه جهاد و آمادگی نظامی است.

۲۰- (ه) مسابقات اسب دوانی

21- این موضوع به تفصیل در ارتباط با بحث ورزش و تربیت، مطرح گردیده است در این صورت نیاز می‌توانید به آن مراجعه نمائید. اساس مباح بودن این مسابقات روایتی است از «طبرانی» که پیامبر خدا ρ فرمود هر چه که در آن ذکر خدا نباشد بیهوده است مگر چهار مورد، راه رفتن بین دو هدف (تیراندازی) تربیت اسب و شوخی و بازی با اهل خانواده و یادگیری شنا.

(و) شکار

از جمله سرگرمی‌های سودمند و مباح که دین اسلام آن را جایز شمرده است شکار دریا و خشکی است، زیرا خدایتعالی فرموده است:

﴿أَحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَّعِIALَكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمَّ تُمْ حُرُّمًا﴾ [المائدة: 96].

«شکار یا صید دریا برای شما حلال شد و اغذیه دریایی برای سرنشینان کشتی و وسایل نقلیه بحری حلال است و تا زمانی که در احرام هستید، شکار خشکی بر شما حرام است».

وسایل و ابزار شکار نیز دو نوع است

(أ) وسایل ایجاد کننده جراحت مانند شمشیر و تیز و نیزه چنانکه در این آیه کریمه آمده است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَيْبَ لَوْتِكُمُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيِّدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَلَهِ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۙ﴾ [المائدة: 94].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید مسلماً خداوند شما را با (تحریم) برخی از حیوانات مورد شکار (مانند حیوانات و طیور وحشی بری) که دست و نیزه‌هایتان به آن‌ها می‌رسد (به آسانی در دسترس قرار می‌گیرند) مورد آزمایش قرار می‌دهد».

(ب) حیوان شکاری که قابل تعلیم است مانند سگ یا گربه سانان وحشی، یا عقاب و پرندگان شکاری دیگر: خدایتعالی می‌فرماید:

﴿قُلْ أَحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ﴾ [المائدة: 4].

«بگو بر شما چیزهای پاکیزه حلال شده است (و نیز شکاری که) حیوانات شکاری صید می‌کنند و شما بدانها آموخته‌اید، از آنچه خدا به شما آموخته است».

احکام عمومی راجع به شکار

1- هدف شکارچی خوردن یا سود باشد نه چیز دیگر: «نسائی و ابن حبان» از حضرت رسول ρ روایت می‌کنند که گفت: هرکس گنجشکی را بیهوده شکار کند در روز قیامت از او شکایت می‌کند که خدایا! فلانی مرا بیهوده و بدون هیچ منفعتی شکار کرده است.

2- شکارچی نباید در حالت احرام حج یا عمره باشد براساس آیه مذکور در بحث شروط وسایل شکار.

شکار باید با ابزار برنده و سریع الاثر باشد، نه وسایل کند و زجر دهنده

3- شرط چهارم آن است که شکارچی نام خدا را بر وسیله شکار هنگام شکار یا

فرستادن حیوان شکارچی بر زبان آورد زیرا می‌فرماید:

﴿وَأَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ هَذِهِ﴾ [المائدة: 4].

«نام خدا را بر آن یاد کنید».

(ز) مسابقه شطرنج

در ارتباط با شطرنج، صحابی و تابعین و فقها دو نظریه متفاوت ابراز داشته‌اند:

برحذر داشتن فرزند از مفاسد اخلاقی

1- پدیده دروغ

2- پدیده دزدی

3- بد دهانی و کلمات رکیک

4- بی‌بند و باری و فساد اخلاقی

و در ارتباط با مسئولیت جسمی موارد ذیل را تذکر دادیم.

1- سیگار کشیدن

2- عادات پنهانی جنسی خود تحریکی

3- مشروبات و مواد مخدر

4- زنا و لواط

همه صاحب نظران تربیت و اخلاق اتفاق نظر دارند که موارد فوق الذکر از مخرب‌ترین

عوامل در فساد اخلاقی و بی‌بند و باری است.

اگر مربی در جهت برحذر داشتن و نصیحت و راهنمایی فرزند به وجه نیکو اقدام نکند

بزودی و بدون تردید به نازل‌ترین مراتب و تاریک‌ترین مراحل سقوط خواهد کرد. و در

این شرایط هیچ اصلاح‌گری نخواهد توانست آنان را به مسیر حق بازگرداند و به راه راست

هدایت کند، این افراد به خطرناک‌ترین عوامل ضد امنیت اجتماعی مبدل می‌شوند و عامل

نابودی جامعه هستند که مردم را با جرمهای گوناگون و اخلاق پست به ستوه می‌آورند.

پس لازم است بار دیگر به آن مباحث مراجعه کنی تا مسئولیت‌های حساس خود را در جنبه‌های مختلف تربیتی به خوبی دریابی تا با مروری بر عوارض و زیان‌های غیر قابل اجتناب دروغ، دزدی، بددهانی و بی‌بند و باری، کشیدن سیگار، عادات جنسی منحرف مشروبات و مخدرها و زنا و لواط با آگاهی و انگیزش بیشتر در کنترل فرزند خود تلاش نمایند

و بهتر است برای اثبات ضررهای موارد فوق الذکر به گفته پزشکان و متخصصین مربوطه استدلال نمایند و گاهی با گفتگو و زمانی بوسیله مجلات علمی و کتاب‌های تخصصی یا نشریات هشدار دهنده به این کار اقدام کنید.

در صورتی که در شرایط مناسب و به صورت متناوب اما مداوم به چنین اقداماتی مبادرت نمایند بدون تردید فرزندان شما بزودی از این مفاسد اخلاقی دوری کرده و حتی فراتر از آن به حدی از فهم و درک می‌رسند که دیگران را نیز برحذر می‌دارد.

-به فرزندان محبت کند تا گول محبت‌های ظاهری دیگران را نخورند. ولی در محبت زیاده روی نکند!

از جمله این شیوه‌های رابطه‌ساز و محبت آفرین که باید از سوی مربی رعایت شوند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

* مربی همواره با گشاده‌رویی و لبخند با فرزند برخورد کند؛ چنانچه ترمذی از ابوذر روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «تَبَسُّمٌ فِی وَجْهِ أَخِيكَ صَدَقَةٌ»

«لبخند زدن تو به روی برادرت، صدقه‌ای به حساب می‌آید».

* تشویق فرزند با دادن جایزه و هدیه به هنگام سرزدن کاری نیک و پسندیده از وی و یا به هنگام کسب موفقیت درسی، چرا که بنابه روایت طبرانی در کتاب «الاوسط» عایشه رضی الله عنها به صورت مرفوع از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که فرمودند: «تَهَادُوا تَحَابُوا»: «به همدیگر هدیه بدهید تا [از این طریق] همدیگر را دوست بدانید».

* ابراز محبت و شفقت نسبت به فرزند و متوجه ساختن وی به این نکته که وی در نظر مربی دارای ارزش و احترام و مورد توجه و اهتمام اوست، چنانکه بیهقی در حدیثی مرفوع از انس روایت می‌کند که پیامبر ص فرمود: «مَنْ لَا يَهْتَمُّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ» «کسی که دغدغه رسیدگی به امور مسلمانان را نداشته نسبت به مشکلات آن‌ها بی‌تفاوت باشد، از مسلمانان به حساب نمی‌آید».

* برخورد محبت‌آمیز و صمیمانه با فرزند؛ زیرا بنابه روایت پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَالْأَطْفَهُمْ بِأَهْلِهِ» «دیندارترین و باایمان‌ترین مسلمانان، فردی است که خوش اخلاق بوده با خانواده خود نرم‌خوتر باشد».

* چنانچه فرزند برای انجام کارهای مثبت از مربی کمک خواست، از حمایت و یاری وی دریغ نرزد؛ چرا که ابوشیخ از پیامبر ﷺ روایت می‌کند که: «رَحِمَ اللَّهُ وَالِدَ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَيَّ بَرَهُ»: «رحمت خداوند بر پدری که فرزندش را در کارهای نیک و مثبت یاری کند».

* برخورد به اصطلاح خودمانی با فرزند داشتن و با وی «قاطی شدن» و رفتار کودکانه در پیش گرفتن و پرهیز از تکلف و حشمت فروشی؛ نمونه این برخورد درسیره پیامبر ρ را طبرانی از جابر چنین نقل می‌کند: بر پیامبر ρ وارد شدم در حالیکه حسن و حسین را روی پشتش نشانده بود و بر روی چهار دست و پا می‌رفت و می‌گفت: «شترتان بهترین شتر و شما نیز بهترین بار هستید»

پیامبر اسلام ρ مربی نخست و الگوی شایسته برای تمامی انسان‌ها (در بهره‌گیری علمی از این ابزارهای کار آمد در میان یاران و افراد فامیل و فرزندان) و نمونه درخشان و والا بود.....

در روایت است که پیامبر هر روز صبح بر سر فرزندان و نوادگانشان دست نوازش می‌کشیدند. (بحارالانوار، ج ۴۱۰، ص ۹۹، ح ۵۷)

پیامبر ص «احبوا الصبیان و ارحمهم و اذا وعدتموهم شیئا فوفوا لهم فانهم لایدرون الا انکم ترزقونهم؛ کودکان را دوست بدارید و به آنان مهربانی کنید و هرگاه به آنها وعده دادید وفا کنید؛ زیرا آنها شما را روزی دهنده خود می‌دانند. (کافی، ج ۶، ص ۹۴، حدیث ۳)

: «اقرع پسر حابس تمیمی» در خدمت رسول خدا ص بود آن حضرت «حسن بن علیب» را بوسیدند. «اقرع» گفت: من ده بچه دارم و تا به حال هیچکدام از آنها را نبوسیده‌ام. پیامبر به جانب او نظری افکند و گفت: «من لایرحم لایرحم». «کسی که با بندگان خدا مهربان نباشد، خداوند با او مهربان نخواهد بود».

«رسول خدا(ص): کسیکه فرزندش را ببوسد یک حسنه دارد و اگر او را خوشحال کند، روز قیامت خدا او را خوشحال می کند و کسیکه به فرزندش قرآن پیاموزد، روز قیامت پدر و مادر کودک را ندا نموده و دو حله بهشتی از نور، برتن آنان می نمایند که از نورش صورت اهل محشر روشن می شود.»

«رسول خدا(ص): فرزند صالح گلی از گلهای بهشت است.»

«رسول خدا(ص): کسیکه خدا به او دختری بدهد و او را اذیت نکند و او را کوچک بشمارد و فرزندان پسر را بر او ترجیح ندهد، خدا بخاطر همین دختر، او را به بهشت می برد.»

«رسول خدا(ص): خداوند دوست دارد که آنچنان بین فرزندان با عدالت رفتار نمائید که حتی ' در بوسیدن آنها نیز مساوات باشد.»

«امام ششم(ع): همانا خداوند بر بندهای که علاقه زیاد به فرزندش دارد، رحم می کند.»

«پیامبر(ص): بچه هارا دوست بدارید و بر آنها ترحم داشته باشید.»

«امام هفتم(ع): خدا در چیزی همانند غضب برای کودکان و زنان غضب نمی کند.»

در بررسی روی 105 پسر و دختر جوان که خلاف بزرگی را انجام داده بودند، متوجه شدند که تقریباً 91 درصد جوانان مجرم از اختلالات عاطفی شدید رنج

می‌برند. یعنی هم از حیث عاطفی مورد بی‌مهری قرار گرفته بودند و هم احساس ناامنی و حقارت داشتند!

برخورد نامناسب والدین با فرزند

یکی دیگر از عواملی که در انحراف فرزندان مؤثر است و در مورد این تاثیر اکثر صاحب‌نظران امور تربیتی و پرورشی اتفاق‌نظر دارند، رفتار بد با کودک است.

در شرایطی که کودک یا نوجوان از جانب والدین یا مربی با یک رفتار خشن روبرو می‌شود و دائماً سرزنش می‌گردد و مکرراً از آنان کتک می‌خورد، یا اینکه هدف تحقیر و تمسخر آنان واقع می‌شود، بزودی در مقابل این رفتارهای ناشایست و فرومایه عکس‌العمل نشان خواهد داد که اثر آن در اخلاق کودک یا نوجوان بروز می‌کند، به گونه‌ای که دائماً خود را در محاصره تحقیر و توییح و کتک می‌بیند.

این فرزند مظلوم یا خودکشی می‌کند و یا در مقابل والدین خواهد ایستاد و با آنان جدال خواهد کرد یا اینکه خانه را ترک می‌کند و خود را از رنجی که میکشد و رفتار آزار دهنده‌ای که تحمل می‌کند، رها می‌نماید.

تعجبی ندارد که چنین انسانی فردا به یک فرد مجرم و تبه‌کار تبدیل شود و به جای تکامل در مسیر صحیح، در مسیر کج‌روی و انحراف و بی‌بندوباری رشد کند.

دین با عظمت اسلام با دستورات و قوانین جاودانه‌اش به تمامی آنانکه مسئولیت تربیت را بعهده دارند، خصوصاً پدران و مادران امر می‌کند که خود را به زینت اخلاق متعالی آراسته سازند و با فرزندان به مهربانی و محبت رفتار کنند تا شخصیتی مستقل داشته باشند

و بتوانند بر پای خویش بایستند و احساس کنند که افرادی شایسته و قابل تقدیرند و از دیدگاه والدین بزرگ و محترم هستند.

با نظری به آیات قرانی و احادیث نبوی، توجیهات و رهنمودهای ارزشمند اسلامی را در باب برخورد مهر آمیز با فرزندان می‌بینیم.

خدای مهربان در این باره می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايِ ذِي الْقُرْبَىٰ﴾ [النحل:

90]. «پروردگار به عدالت و اخلاق نیک و همیاری و مساعدت نزدیکان امر می‌کند».

﴿وَالْكَافِرِينَ الَّذِينَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ مُّغْنَاهُمْ عَنْ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (۱۳۴)

[آل عمران: 134].

«و بندگان که خشم خویش را فرو می‌برند و نسبت به مردم گذشت دارند و براستی خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.

و می‌فرماید:

﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ [البقرة: 83].

«با مردم به نیکویی سخن بگوئید.

و همچنین پیامبر بزرگوار ص را مورد خطاب قرار داده، می‌فرماید:

﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَّ قُلَّ بَلٌّ لَّانْقِصُوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ [آل عمران: 159].

«اگر تندخو و سنگدل بودی، همراهان و یارانت از اطراف تو پراکنده می‌شدند».

و «بخاری» از رسول خدا ص روایت کرده است که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الرِّفْقَ فِي الْأَمْرِ كُلِّهِ». «خدای مهربان نرمی و مدارا را در همه امور دوست دارد».

از آن حضرت ص روایت شده که فرمود: «إِنَّ أَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى بِأَهْلِ بَيْتٍ خَيْرًا أَدْخَلَ عَلَيْهِمُ الرِّفْقَ، وَإِنَّ الرِّفْقَ لَوْ كَانَ خَلْقًا لَمَا رَأَى النَّاسُ خَلْقًا أَحْسَنَ مِنْهُ، وَإِنَّ الْعَنْفَ لَوْ كَانَ خَلْقًا لَمَا رَأَى النَّاسُ خَلْقًا أَقْبَحَ مِنْهُ». «اگر خداوند بخواهد خیر و نیک‌بختی را شامل حال خانواده‌ای کند نرمی و مهربانی را به جمع آنان وارد می‌کند، اگر نرمی و مهر صورت و شکل ظاهری داشت، بهترین صورت از آن او بود و اگر خشونت هم شکل و قیافه‌ای داشت، زشت‌ترین قیافه‌ها مربوط به آن بود».

«ابوالشیخ» در «الثواب» از رسول خدا ص روایت می‌کند که فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ وَالِدًا أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرٍّ». «خدای عزوجل، رحم کند به کسی که فرزندش را در نیکو بودن یاری می‌دهد». (کنایه از رفتار خوبی است که منجر به ایجاد شخصیت والای فرزند می‌شود).

همچنین آنحضرت ص فرمودند: «الرَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَنُ، ارْحَمُوا مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمَكُمُ مَنْ فِي السَّمَاءِ». «خدای رحمان مهربان است با آنانکه مهربانند، پس شما به آنانکه در زمینند رحم کنید تا آنکه در آسمان است به شما رحم کند».

عدالت بین فرزندان:

(أَعِدُّوا لَهُ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى) [المائدة: 8].

«عادلانه رفتار کنید که به پرهیزکاری نزدیک‌تر است».

پیامبر ص: می‌فرماید:

«اعْدِلُوا بَيْنَ اٰبْنَائِكُمْ، اَعْدِلُوا بَيْنَ اٰبْنَائِكُمْ، اَعْدِلُوا بَيْنَ اٰبْنَائِكُمْ».

«با فرزندانان به عدالت رفتار کنید. با فرزندانان به عدالت رفتار کنید. با فرزندانان به

عدالت رفتار کنید».

عدم تبعیض بین فرزندان از مسائل بسیار مهم تربیت اسلامی است.

تفاوت قائل شدن بین فرزندان از مهم‌ترین عوامل انحرافات روانی کودکان است، فرق

گذاشتن به هر صورتی که باشد، یعنی در زمینه مسائل مادی یا معنوی مانند محبت، منجر

به عواقب ناگواری خواهد شد.

زیرا باعث می‌گردد که فرزندی که مورد بی‌مهری واقع می‌شود، نسبت به دیگری

حسادت بورزد و کینه‌توز شود و گوشه‌نشین و کم‌رو گردد، بترسد و گریه کند و در ذهن

خود تصورات انتقام و مشاجره و ضرب و شتم را پیروRAND. دچار کابوس‌های شبانه و

حمله‌های عصبی شود و در خود احساس نقص و خودکم‌بینی نماید.

مربی اول، رسول گرامی خدا - سلام و درود خدا بر او باد - در زمینه رفتار اجتماعی نیز

حقیقتاً مربی با عظمت و والایی بودند که در این زمینه خاص به والدین سفارش می‌کنند که

از خدا بترسید و عدالت را بین فرزندانان رعایت نمائید.

«نعمان بن بشیر» می‌گوید: پدرم مرا همراه خودش به خدمت رسول اکرم برد و گفت:

به این پسر نوکری هدیه کرده‌ام.

آن حضرت فرمودند: آیا به فرزندان دیگر نیز همین هدیه را داده‌ای؟

گفت: خیر!

فرمودند: «پس هدیه‌ات را پس بگیر».

در روایت دیگری آمده است که فرمودند: «آیا همین رفتار را با سایر فرزندان نیز داشته‌ای؟»

گفت: خیر!

فرمود: «از خدا بترسید و عدالت را بین فرزندان رعایت کنید». پدرم پس از این گفته رسول اکرمؐ هدیه‌اش را پس گرفت.

روایت شده مردی در خدمت رسول خداؐ بود. پسرش آمد، او را بوسید و بر زانویش نهاد و دخترش آمد، او را در مقابل خود نشاند. پیامبر ص فرمود: «چرا بین این دو مساوات را رعایت نمی‌کنی».

علل تفاوت‌گذاری بین فرزندان
فرزند از جنس مورد نر نباشد، مثلاً پدر و مادر دوست داشته باشند که بچه پسر باشد، اما صاحب دختر شوند.

بهره هوشی و زیبایی کودک کم باشد.

نقص جسمانی داشته باشد.

علل مادی یا معنوی فوق از نظر اسلام هیچکدام نمی‌توانند باعث دوست نداشتن فرزند یا برتری یکی بر دیگری باشد، و چه ظالم و بی‌رحمند پدران و مادرانی که این رفتار زشت و غیرانسانی را از خود بروز می‌دهند.

چه گناهی دارد طفلی که دختر بدنیا آمده است و جنس مونث بودن او به اختیار و اراده‌ش نیست؟

چه گناهی دارد طفلی که زیبا روی و خوش قیافه نیست؟

چه گناهی دارد طفلی که از بهره هوشی خوبی برخوردار نیست؟

چه گناهی دارد طفلی که طبیعتاً پرنشاط و با تحرک و پرشور است؟

چه کار کند، طفل بی گناهی که نقص جسمی دارد و یا به علت حادثه‌ای مقدر نقصی ظاهری پیدا می‌کند؟

پس اگر والدین محترم و مریبان عزیز به حفظ سلامتی فرزندان خود علاقه‌مندند و مایلند که آن‌ها را از عقده‌های روانی و احساس خود کم بینی رها کنند و از ایجاد آفات قلبی مانند حسد، حسد و کینه جلوگیری نمایند، بهترین راه و در واقع تنها راه آن است که فرمان پیامبر خدا غ را در این مورد اجرا کنند که فرمود: «از خدا بترسید و عدالت را در ارتباط با فرزندان‌تان رعایت کنید».

و به هر آنچه که خدای تعالی به آنان بخشیده است چه پسر و چه دختر، راضی باشند و برای تمامی فرزندان خود به یک اندازه محبت و علاقه خود را بروز دهند و روح مساوات و گذشت و برادری را نیز به این صورت بین آنان ایجاد نمایند تا از نعمت عدل کامل و عطوفت و محبت صادقانه و رفتار عادلانه به طور یکسان برخوردار باشند و چه زیبا گفت رسول گرامی خدا ﷺ: «خدا رحم کند به پدر و مادری که فرزندش را در نیکو بودن یاری می‌دهد».

نقص جسمانی

نقص جسمانی نیز از جمله عوامل مهم در ایجاد عقدۀ روانی و احساس نقص و خودکم بینی است.

فرزندى که از دوران طفولیت مبتلا به نقص جسمانی مانند: کوری، کرى، لکنت زبان و یا عقب افتادگی ذهنی است، باید از جانب اطرافیان خصوصاً پدر و مادر و خواهر و برادر مورد توجه قرار گیرد، چنین افرادی نیازمند مواظبت و محبت، اخلاق و رفتار نیکو و آمیخته با گذشت و نرمی هستند.

پیامبر عزیز غ ما در این باره می فرماید:

«خداى رحمان مهربان است با آنانکه مهربانند، پس شما هم به آنها که در زمینند رحم کنید تا آنکه در آسمان است به شما رحم کند». (روایت ترمذی و ابوداود) و نیز فرمودند: «در میان مؤمنین کامل ترین ایمان را کسی دارد که بهترین اخلاق را داشته باشد». (روایت ترمذی و ابن حبان)

اما زمانی که والدین یا اطرافیان، بچهای که از نعمت بینایی محروم است «کور» صدا می زنند، و آنکه را که نمی شنود «کر» و کسی را که نقص ذهنی دارد، «بدبخت و بی نوا» می نامند و کسی را که لکنت زبان دارد «لال» می خوانند، بدیهی است که با چنین القاب و عناوینی عقدۀ روانی و احساس نقص در بچه ایجاد می شود و از لحاظ روحی چنان درهم می شکند که حالت بسیار رقت انگیزی پیدا خواهد کرد، نسبت به زندگی بدبین و نسبت به دیگران کینه توز خواهد شد. پس بر مربیان و والدین واجب است که مشکل روحی در ارتباط با نقص جسمانی فرزندانشان را با روشی عاقلانه و رفتاری حکیمانه و تربیتی شایسته

و برخوردی همراه با لطف و نرمی و مراقبت صحیح، برطرف سازند. زیرا ارزش هر انسانی به دین و اخلاق اوست نه شکل و ظاهرش.

- اولین گام برای برطرف نمودن مشکل اینگونه افراد آن است که با دیده محبت به آنان بنگرند و از آنان به طور ویژه مراقبت کرده، مواظب حالت‌های آنان باشند و دریابند که فرزند آنها از جنبهٔ هوشی یا مواهب طبیعی مانند نشاط، تحرک و آگاهی مانند سایر بچه‌ها نیست، رفتار ملایم و با محبت و درک درست آنها، احساس نقص و ناتوانی را در آنان برطرف می‌کند و نوعی اطمینان و آرامش روحی در ایشان بوجود می‌آورد که می‌تواند آنان را به فردی سازنده و مفید تبدیل کند.

- دومین گام برای معالجه اینگونه افراد آن است که به تمامی اطرافیان چه افراد خانواده و چه نزدیکان و حتی افراد دور نصیحت کنند و تذکر دهند که نسبت به آنان اهانتی روا ندارند و یا آنها را تحقیر نکنند و مسخره نمایند تا اثری بد بر روحیه آنان نداشته باشد و دردی جانکاه اضافه بر درد و رنج آنان برایشان ایجاد نکند. همه ما و تمامی کسانی که با افراد علیل و ناتوان یا مبتلا به یکی از نواقص جسمی برخورد می‌کنند، باید رهنمود و رفتار مربی اول اسلام حضرت محمد ρ را به یاد داشته باشند که فرمود:

«انسان‌ها در نظام جامعه مانند عضوی از یک پیکر هستند و برای وحدت اجتماعی، هر یک از افراد جامعه باید نسبت به سایرین احترام بگذارد و از بذل محبت دریغ نکنند». به عبارت دیگر براساس گفتهٔ آن حضرت ρ اساس بنای وحدت اجتماعی بر پایهٔ صفای قلبی و محبت است و اصول آن بر بزرگداشت و احترام متمرکز می‌شود.

پیامبر گرامی اسلام ρ افراد امت خود را بر حذر می‌دارند که عباراتی یا کلماتی بر زبان آورند که حیثیت و شرافت انسانی را لکه‌دار کرده و شخصیت او را پایمال نموده و یا

باعث اختلال در روابط اجتماعی گردد. در ارتباط با آفات زبان می‌فرماید: «بنده‌ای از بندگان خدا کلامی بر زبان می‌آورد که خود به آن اهمیت نمی‌دهد ولی به واسطه آن سخن در آتش جهنم می‌افتد».

در جاهلیت تبعیض زیادی بین فرزندان انجام می‌دادند ولی با آمدن اسلام، بزرگان ما مساوات و عدالت را در تقسیم محبت و مهربانی و عطفیت بین فرزندان رعایت می‌کردند، بدون آنکه تفاوتی بین دختر و پسر قائل بشوند.

ولی متأسفانه بعد از زوال جاهلیت هنوز هم در جوامع اسلامی این خصایل نامتناسب به چشم می‌خورد، رسوبات همان محیط منحرف است که قبل از ظهور اسلام وجود داشته است، باقیماندهٔ رسومی است که بر هیچ مبنا و قاعدهٔ درستی استوار نیست و تقلید اجتماعی منفوری است که به زمان چهل و تاریکی قبل از طلوع نور اسلام باز می‌گردد

دختری می‌گفت وقتی من به دنیا آمدم پدرم از روی ناراحتی تا سه ماه به اون اطاقی که من در آن بودم پانگذاشت!

در سوره النحل: [59]. آمده که:

«و هرگاه به یکی از آنان مژدهٔ تولد دختری بدهی چهره‌اش سیاه می‌شود، در حالیکه خشمگین است به دلیل خبر ناخوشایندی که به او داده‌اند، خود را از دید

قوم پنهان می‌کند و در این اندیشه است که آیا او را با خفت و خواری نگه دارد یا زنده بگور کند، به راستی که بد حکم می‌کنند.

حال اگر کسی باز هم خبر تولد دختر را ناخوش بدارد به علت ضعف ایمان و عقیده متزلزل اوست چراکه به تقدیر الهی راضی نیست، اگر درست بیاندیشد، در می‌یابد که والدین طفل و تمامی اهل زمین اگر دست به دست هم بدهند قادر به تغییر قانون الهی نیستند.

آیا این چنین افرادی هیچ در کلام مبارک خالق متعال اندیشیده‌اند که می‌فرماید تدبیر و امر من قطعی و برگشت‌ناپذیر است. اراده من نافذ و خواست من مطلق است. تولد فرزند دختر یا پسر از این قانون لایزال مستثنی نیست.

﴿لِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۚ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ ۚ يَهَبُ لِمَن يَشَآءُ اِنۡثٰٓثًا وَيَهَبُ لِمَن يَشَآءُ الذُّكُوْرَ ۚۙ اَوْ اُنۡثٰٓءَ ۚ يَزُوْجُهُمْ ذُكْرًا وَاِنۡثٰٓءَ ۚ وَبِجَۥلٍ مِّنۡ يَّشَآءُ عَقِيْمًا ۚ اِنَّهٗ عَلِيْمٌ قَدِيْرٌ ۝۵۰﴾ [الشوری: 50].

«ملک آسمان‌ها و زمین متعلق به خدا است و هر آنچه اراده کند می‌آفریند به کسی که بخواهد دختر می‌دهد و به کسی که بخواهد پسر می‌بخشد و به بعضی پسر و دختر را با هم می‌دهد و هر کس را که بخواهد عقیم می‌کند، به تحقیق او دانا و تواناست.»

از جمله اتفاقات جالب در این باب داستان یکی از امرای عرب به نام «ابوحمزه» است که بازنی ازدواج کرد به امید آنکه برایش پسری بیاورد، اما زن دختر زائید، «ابوحمزه» منزلش را ترک کرد و زن و دختر را تنها گذاشت، بعد از یکسال روزی از کنار خیمه آنان گذر

می‌کرد که صدای زن را شنید که با دخترک بازی می‌کرد و برایش شعری می‌خواند که در آن می‌گفت:

«ابوحمزه را چه شده است که دیگر به نزد ما نمی‌آید و در منزل همسایه خانه کرده است، او خشمگین است که من پسر برایش نیاوردم، به خدا سوگند که این بدست من نیست، ما هر آنچه را که خدا می‌دهد دریافت می‌کنیم».

ابوحمزه با شنیدن این عبارات شیرین و مملو از اعتقاد منقلب گردید، او در واقع از همسرش درس ایمان و ثبات عقیده گرفت و از او آموخت که به آنچه خدا داده است راضی باشد. بی‌درنگ وارد منزل شد، بر سرزن و دخترش بوسه زد و تقدیر خالق خویش را گردن نهاد.

از «عقبه بن عامرجهنی» روایت می‌کند که گفت: از رسول خدا ص شنیدم که می‌گفت: «مَنْ كَانَ لَهُ ثَلَاثُ بَنَاتٍ فَصَبَرَ عَلَيْهِنَّ وَأَطَعَمَهُنَّ وَسَقَاهُنَّ وَكَسَاهُنَّ مِنْ جَدَّتِهِ (أَي مَالِهِ) كُنَّ لَهُ حِجَابًا مِنَ النَّارِ».

«کسی که سه دختر داشت و غذا و زندگی آنان را تامین کرد و بر آنان از مال خود لباس پوشاند و بر تکفل آنان صبر کرد، در روز قیامت این عملش مانعی در مقابل آتش خواهد بود».

—نظارت بر استفاده فرزندان از رسانه‌های صوتی و تصویری و رایانه و استفاده از موسیقی مبتذل و شرکت در پارتی‌های منحرف کننده

1- «پیامبر اسلام (ص): غنا (موسیقی حرام) پلّه کان زنا است.»

2- «امام صادق (ع): خبیث ترین مخلوق خدا، غنا (موسیقی حرام) است. و بدترین مخلوق خدا غنا است که باعث فقر و نفاق می شود.»

3- «امام صادق (ع): خانه ای که در آن غنا (موسیقی حرام) باشد، از فاجعه ایمن نمی باشد و دعا در این خانه مستجاب نمی شود و ملائکه به این خانه وارد نمی گردند.»

10- «امام خمینی: از جمله چیزهائی که مغز جوانها را تخدیر می کند، موسیقی است... انسان را از جدیت بیرون می برد. یک جوانی که عادت کرده روزی چند ساعت را با موسیقی سروکار داشته باشد، از مسائل جدی به کلی غافل می شود.»

مصیبت یتیم شدن

از جمله عوامل قابل توجه در انحراف افراد، حادثه ناگوار مرگ والدین است. کودکی که همانند غنچه ای شروع به شکفتن می کند و در اولین سالهای عمر پدرش را از دست می دهد، دیگر دست نواز شگرش را احساس نمی کند و حلاوت قلب رئوفی را که به او محبت می کند، نخواهد چشید، دیگر ناظر و مراقبی ندارد که امور او را کنترل نماید و زیر نظر داشته باشد و سرپرستی ندارد که نیازهایش را برطرف سازد و هر آنچه برای زندگی می خواهد فراهم نماید، خصوصاً زمانی که بازماندگان نیز به او توجهی ندارند یا بازمانده ای

ندارد که به جای پدر مراقب او باشد، پس ناچار چنین فردی به سوی انحراف کشیده خواهد شد و کم کم بسوی ارتکاب جرم و تبهکاری گام بر می‌دارد و نه تنها خود را تباه می‌کند بلکه به عاملی خطرناک برای اختلال و نابودی جامعه خویش تبدیل خواهد شد.

تشریع جاودان اسلامی و رهنمودهای بلند پایه آن، بازماندگان متوفی و تمام کسانی را که با فرد یتیم به نوعی رابطه دارند دعوت می‌کند که با آنان رفتار شایسته و مناسبی داشته باشند و نسبت به سرپرستی و انجام امور آنان احساس مسؤولیت و تعهد کنند و بر زندگی و تربیت آنان نظارت داشته باشند.

به این ترتیب حیات یک یا چند انسان تباه نمی‌شود و بر پایه‌ای درست رشد و تکامل می‌یابد و مکارم اخلاقی و فضایل معنوی رادر سایه محبت و توجه آنان کسب می‌کند.

محبت و عطوفت نسبت به یتیم و اهمیت مراقبت از او در تعالیم اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد.

خدایتعالی می‌فرماید:

﴿وَيْسَ لَوْلَاكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلٌّ ۚ اِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ لِّرِّبِّ ۚ وَان تَخَالِطُوهُمْ فَارِخٌ وَّوْنُكُمْ ۚ﴾ [البقرة: 220].

«ای محمد! و درباره یتیمان از تو می‌پرسند، مگر: آنان برادران شمايند و مداخله در امور آنان به جهت اصلاح امورشان از دوری کردن از ایشان بهتر است».

و خداوند سبحان در جای دیگری خطاب به پیامبر بزرگوارش می‌فرماید:

﴿فَأَمَّا آلَ يَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ۙ﴾ [الضحى: 9].

«پس یتیم را کوچک و بی مقدار نشمار!

همچنین می فرماید:

﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ ۚ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ آلَ يَتِيمَ ۙ﴾ [الماعون: 1-2].

«آیا شخصی که قیامت را انکار می کند دیدی؟ او همان کسی است که یتیمان را از

خویش می راند».

و خدای دانا در سوره نساء نیز می فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتِيمِ بِالْظُلْمِ إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا ۖ

وَسَيَصِيرُونَ سَعِيرًا ۖ﴾ [النساء: 10].

«براستی آنانکه به یتیمان ظلم کرده و اموالشان را می خورند، در حقیقت آتش جهنم را

سر می کشند و بزودی در قیامت شعله های برافروخته و سوزان آن را خواهند چشید».

رسول گرامی ص فرمود: «من وضع یده علی رأس یتیم رحمہ، کتب اللہ لہ بکل شعرة

مرت علی یده حسنة».

«کسی که برای ابراز محبت بر سر یتیمی دست کشید، خدای مهربان به تعداد موهایی

که زیر دستش قرار می گیرد، برای آن شخص حسنات می نویسد». (روایت احمد و

ابن حبان).

همچنین فرموده اند: «مَنْ قَبَضَ يَتِيمًا مِنْ بَيْنِ الْمُسْلِمِينَ إِلَى طَعَامِهِ وَشَرَابِهِ أَدْخَلَهُ اللَّهُ

الْجَنَّةَ أَلْبَنَةً إِلَّا أَنْ يَعْمَلَ ذَنْبًا لَا يُغْفَرُ لَهُ». «کسی که سرپرستی یتیمی را بعهده بگیرد و غذا و

سایر لوازم ضروری زندگیش را تامین کند، و فرد یتیم را از هر جهت تامین کند، خدای مهربان حتما او را وارد بهشت خواهد کرد، مگر گناهی کرده باشد که غیرقابل بخشش باشد». (روایت ترمذی).

همچنین فرمودند: «أَنَا وَكَافِلُ الْيَتِيمِ فِي الْجَنَّةِ كَهَاتَيْنِ، قَالَ بِإِصْبَعَيْهِ السَّبَابَةَ وَالْوُسْطَى». «من با کسی که یتیمی را تکفل کرده است، در بهشت اینچنین هستیم و به انگشت سبابه و وسط خویش اشاره کردند». (روایت ترمذی).

این آیات و احادیث و تعداد بسیار زیاد دیگر از این نمونه نشان می‌دهد که کفایت و مواظبت یتیم، بر خویشان و نزدیکانش واجب است.

از دواج فرزندان

فلسفه ازدواج چیست و خداوند چرا به آن امر نموده است
از جمله فواید حفظ نسل بشری است. خدای تعالی می‌فرماید:

﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لَّتَرْضَوْا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ بَيْنًا وَحَفْذَةً﴾ [النحل: 72].

«خداوند از خودتان، برای شما همسرانی قرار داد و از آن همسران فرزندان و از آنان فرزندان، فرزندان زادگانی».

- فایده دیگر ازدواج جلوگیری از فساد و بی‌بند و باری است. رسول اکرم ص می‌فرماید: «ای گروه جوان! کسی از شما که می‌تواند ازدواج کند به این امر مبارک مبادرت نماید که موجب بر هم نهادن چشم و حفظ آلت تناسلی از عمل حرام می‌شود».

- فایده دیگر، اشتراک و همکاری زن و شوهر در امر سرپرستی خانواده است. رسول خدا ص در این مورد می‌فرماید:

«مرد سرپرست زن و فرزند و اهل خانواده است و نسبت به آنان مسؤول می‌باشد، زن نیز در خانه شوهرش نسبت به فرزندان مسؤول است» (روایت بخاری و مسلم)

- از فواید دیگر زناشویی، ایمن ماندن جامعه از انواع آفات جسمی و روحی است. پیامبر خدا ص فرمودند: «لا ضرر ولا ضرار فی الإسلام». ضرر رساندن در اسلام نیست چه خود آغاز کنی و چه در عکس‌العمل نسبت به کسی به او ضرر برسانی. (روایت مالک و ابن ماجه)

اثر بسیار مهم دیگر ازدواج آرامش و ثبات روحی است. پروردگار مهربان ما می‌فرماید:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ [الروم: 21].

«از نشانه‌های خداوند آن است که همسرانی از خودتان برایتان آفرید تا در کنار آنان

آرام گیرید و بین شما محبت و الفتی پایدار و استوار قرار داد».

- پی آمد و ماحصل مهم دیگر ازدواج به دنیا آمدن فرزندان است که بعدها به زنان و مردانی شایسته برای اسلام تبدیل می‌شوند.

خواندیم که رسول خدای فرمود: «ازدواج کنید، بچه به دنیا آورید و زیاد شوید، زیرا من در روز قیامت به فراوانی شما در بین سایر امت‌ها افتخار می‌کنم

پس بدانید که هرگاه فرزندان شما این حقایق و فواید را در ارتباط با ازدواج دریابند، به آن تمایل پیدا می‌کنند و برای دستیابی به آن به هر طریق که بتوانند، تلاش می‌کنند.

و حالا روی سختم با دوست ای پدر گرامی! اگر از جهت مالی و وضعیت مناسبی داری، شایسته است که امکانات ازدواج را برای فرزندت فراهم نمایی تا او را از بند تمایلات نفسانی و تخیلات جنسی آزاد کنی، تفکرات و احساس‌هایی که غالباً بر فکر و ذهن او سیطره دارد و مانند سد محکمی مانع پیشرفت و ترقی او می‌گردند.

با تسهیل امر مبارک ازدواج، عزیز و جگر گوشه خود را از تهاجم عوامل تباه‌کننده اخلاق که به جسم و روح او آسیب می‌زنند، حفظ خواهی کرد، عواملی که حیثیت و شرف او را خدشه‌دار می‌کنند و این هدف حاصل نمی‌آید مگر آن‌که امکانات ازدواج را فراهم نماییم و در گذران زندگی نیز او را یاری دهیم و هرگونه کوتاهی و سستی در این امر منجر به عواقب دردناک و ناخوشایندی خواهد شد که فقط حسرت را به ارمغان می‌آورد.

چه بسیار می‌شنویم که پدران ثروتمندی هستند که از پرداخت وجوه موردنیاز یا فراهم کردن امکانات ازدواج برای فرزندانشان خودداری می‌کنند و بهانه آن‌ها، این است که، پسر من به سنی رسیده است که می‌تواند روی پای خودش بایستد و احتیاجی به کمک و مساعدت من ندارد، اما اگر این پدران متساهل می‌فهمیدند که پرداخت این وجوه و فراهم

کردن آن امکانات چه اثر مهمی در برطرف کردن اضطراب و هیجان فکری و ناآرامی روحی و جلوگیری از انحراف فرزند دارد، شاید هیچ‌گاه بخل و خست از خود بروز نمی‌دادند و در یاری نمودن بچه‌هایشان کوتاهی نمی‌کردند.

چرا پدری که توانایی دارد، از کمک کردن فرزندش و فراهم نمودن امکانات ازدواج خودداری می‌کند؟

آیا تصور می‌کند جاودانه است؟

آیا پولش را با خودش به و آن دنیا می‌برد؟

او به زودی خواهد مرد و جسدش را در حفره‌ای کوچک که نه وسایل و نه زینتی دارد، دفن می‌کنند و آنچه دارد برای ورثه خود می‌گذارد.

پس پدری که توانایی دارد، بهتر است از پولش و هر آنچه دارد به نحو احسن استفاده کند و از آنچه خدای تعالی در اختیار او قرار داده است، انفاق کند و این انفاق را از کسانی آغاز نماید که سرپرستی آن‌ها را به عهده دارد که فرزندان او هستند، زیرا نبی اکرم ص می‌فرماید: «دیناری در راه خدا و دیناری برای آزاد کردن برده‌ای و دیناری که به بینوایی می‌دهی و دیناری که برای زن و فرزندت خرج می‌کنی، نزد خدای تعالی اجر دیناری که برای زن و فرزندت خرج کرده‌ای، از همه آن‌ها بالاتر است». (روایت مسلم)

و خدای تعالی وضعیت کسانی را که کار نیک انجام می‌دهند تباه نخواهد کرد.^۲

^۲ - نقل از کتاب موانع ازدواج نوشته مؤلف.

باید همسری شایسته برای فرزندان انتخاب نمایی که هرگاه نگاهش می‌کند، شادمان می‌شود و هرگاه به او امری می‌نماید، اطاعت می‌کند و در غیاب او مال و ناموسش را حفظ می‌کند و هرگاه چنین مردی صاحب فرزندی شود این‌چنین به درگاه پروردگارش دعا خواهد کرد:

﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْ لَنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ [الفرقان: 74].

«پروردگارا! به ما زنان و فرزندان ببخش که مایه چشم روشنی ما باشند و ما را پیشوای متقین قرار ده!».

وظایف دیگر والدین در باره فرزند:

از جمله موارد دیگری که کودک و نوجوان باید از مربی خود فراگیرد امور ذیل است:

-تشویق به مطالعه

- منع از مرتد شدن.
- منع از الحاد و بی‌دینی.
- منع از امور بیهوده و افعال حرام.
- منع از رفاقت با دوستان بد.
- منع از مفاسد اخلاقی.

- منع از ارتکاب عمل حرام به طور کلی.

تشویق فرزند به مطالعه دائمی

با عنایت به این شعارهای اسلامی

(وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا ۝ ۱۱۴) [طه: 114].

«و بگو: «پروردگارا، بر دانشم بیفزای»

(هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۚ) [الزمر: 9].

«بگو: «آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟»

با توجه به مسئولیت روشنگری فکری که اسلام آن را به عنوان یک امانت بر دوش والدین و مربیان گذاشته است بر تمامی کسانی که مسئله فکر و عقیده فرزند و پرورش علمی و فرهنگی وی برایشان مهم و حساس است واجب است از زمانی که فرزند به سن بلوغ و رشد می‌رسد:

* اسلام را به عنوان یک برنامه فراگیر و منسجم و مجموعه دین و حکومت به وی معرفی کنند.

* قرآن عظیم را به عنوان سیستم زندگی و خواستگاه ارزش‌ها و قوانین به وی معرفی کنند

* تاریخ اسلامی را به عنوان سند عزت و توانمندی به وی معرفی کنند

* فرهنگ اسلامی را با تنوع و گستردگی آن به وی معرفی کنند

* عضویت در کاروان دعوت اسلامی را به عنوان تجلیگاه منطقی شور و حماسه دینی به وی معرفی کنند

این امر البته بدون مطالعه‌ای هوشمندانه و فراگیر براساس محورهای ذیل ممکن نخواهد بود:

- مطالعه کتاب‌های فکری، که جاودانگی دین اسلام را به این برخورداری از ویژگیهای شمول، تجدیدپذیری و دوام، برای فرزند بیان کنند.
 - مطالعه کتاب‌های تاریخی که عظمت گذشته اسلام و عزت از دست رفته مسلمانان را برای فرزندان بازگو نمایند.
 - مطالعه کتاب‌های درباره تهاجم فکری، که فرزند را از نقشه‌ها و توطئه‌های دشمنان اسلام چه صهیونیسم توطئه‌گر چه مارکسیسم دین‌ستیز و چه صلیبی‌های کینه‌توز آگاه سازند.
 - مطالعه کتاب‌هایی در موضوع تمدن که از تمدن درخشان اسلامی که در طول تاریخ و در خلال اعصار به وسیله گذشتگان بنا شده است پرده بردارند.
- از همین روست که گذشتگان صالح ما به ضرورت هوشمندی فکری، تاریخی و فرهنگی فرزندان‌شان اهمیت می‌دادند و آنان را در این زمینه‌ها آموزش می‌دادند

- معاذبن جبل می‌گوید: «علم حیات‌بخش قلب‌ها، روشنائی چشم‌ها و نیروی تن‌هاست؛ در سایه آن انسان به مقام نخبگان و نیکان دست می‌یابد و به درجات والای دنیا و آخرت نائل می‌آید؛ اندیشیدین درباره آن معادل روزه و بازرنگری و بررسی آن معادل شب زنده‌داری است؛ در نتیجه علم است که پیوندهای خویشاوندی برقرار می‌مانند و حلال

و حرام از همه بازشناخته می‌شوند؛ علم به سان پیشوا و عمل پیرو آن است به نیک‌بختان الهام و از شوربختان دریغ می‌گردد»^۳

- علامه خواجه نصیرالدین طوسی در ابتدای رساله‌اش «آداب المتعلمین» می‌گوید: «ارزش علم بر کسی پوشیده نیست زیرا نعمت علم فقط ویژه انسان‌هاست و تمامی صفات دیگر مانند: شجاعت، نیرومندی، شفقت و همه در میان انسان و سایر حیوانات مشترکند، با علم بود که خداوند برتری آدم ÷ را بر فرشتگان اعلام نمود و به آنان دستور داد که در مقابل وی به سجده افتند؛ همچنین علم چنانچه مبنای عمل قرار گیرد تنها راه دستیابی به خوشبختی ابدی است»^۴.

- حسن بصری می‌گوید: «اگر علم دارای صورت و سیما بود به یقین از خورشید و ماه و ستارگان و آسمان خوش‌سیماتر و زیباتر می‌بود»^۵.

- طرح‌ریزی مسابقاتی میان فرزندان: برخی در زمینه تندخوانی، برخی در مورد شمار کتاب‌های خوانده شده در یک زمان معین و سپس آزمون مسابقات را برگزار کرد و به منظور تشویق و ایجاد انگیزه برای فعالیت بیشتر به نفرات برتر جوایز یا نشانهایی اعطا نمود این شیوه یعنی تشویق فرزند در مواردی که کاری را به خوبی و با موفقیت به پایان می‌رساند و یا رفتاری زیبا و پسندیده از وی سر می‌زند شیوه‌ای است که امام محمد غزالی لزوم بهره‌گیری از آن را توصیه نموده است وی رحمه الله در بخش سوم کتاب «إحیا» می‌گوید: «هنگامی که بر خوردی زیبا و کاری پسندیده از کودک سر زد

^۳- «رساله المسترشدين» نوشته محاسبي تحقيق جناب استاد شيخ عبدالفتاح ابو غده

^۴- همان

^۵- همان

لازم است که به خاطر آن کار از او تجلیل و قدردانی گردد و با اعطای جایزه‌ای جذاب و شادی‌بخش به وی پاداش داده شود و به منظور تشویق بیشترش به رعایت اخلاق والا و رفتار پسندیده در میان مردم تعریف و تمجید به عمل آید»

احترام والدین باید حفظ شود

آداب نیکی به والدین

شایسته است که مریبان محترم آداب برخورد و شیوه رفتار فرزندان را با پدران و مادرانشان به آنان بیاموزند. از جمله این آداب عبارتند از:

جلوتر از آنان راه نروند، به اسم صدایشان نزنند، قبل از آنان ننشینند، از نصایح آنان دلتنگ نشوند و از غذایی که به آن نگاه می‌کنند، نخورند (منظور آنکه شاید اشتهای آن غذا را داشته باشند) و در مجالس بالاتر از آنان قرار نگیرند و با امرشان مخالفت نکنند و ...

اساس این آداب گفته خداوند متعال است که فرمود:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۚ إِنَّكَ يَبْغُ عَنْكَ أَلْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا ۖ أَفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ۚ ۲۳ وَأَخْفِ ۚ لَهُمَا جَنَاحُ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ۚ﴾ [الإسراء: 23-24].

«و پروردگار تو حکم کرده است که جز او را نپرستید و نسبت به والدین نکویی کنید و

اگر یکی از آنان یا هر دوی آنان به سن پیری برسند (حتی) به آنان «اف» مگو، ایشان را

زجر مده و با آنان خوش رفتار باش و بال تواضع خود را از روی مهربانی برای آنان فرود آور و بگو: پروردگارا! ایشانرا را رحمت کن چنانکه مرا در حال خردی تربیت کردند».

و گفته پیامبر عزیز ما ﷺ که فرمود:

«کسی که با خشم به پدرش نگاه کند به او نیکی نکرده است».(مجمع الزوائد، ج:8).

حضرت «عایشه» می گوید: مردی به خدمت رسول اکرم ﷺ رسید و همراهش پیرمردی

بود، فرمود:

«ای مرد! این پیرمرد کیست؟ گفت: پدرم، فرمود: پس جلوتر از او راه نرو قبل از او

نشین و به اسمش او را صدا زن و به او ناسزا نگو!»

نمونه‌هایی از رعایت ادب پدر و مادر از گذشتگان

• نویسنده «عیون الأخبار» می گوید: به «عمر بن زید» گفتند: نیکی فرزندان نسبت به تو

چگونه بود؟ گفت: هیچگاه روزها جلوتر از من راه نمی‌رفت و همیشه شب‌ها جلوتر از

من حرکت می‌کرد و هیچگاه بالاتر از من ننشست.

• مولف «مجمع الزوائد» می گوید که «ابو غسان الضبی» گفت: همراه پدرم از منزل خارج

شدیم در راه به «ابوهریره» برخورد کردیم، گفت: این مرد کیست؟ گفتم: پدرم

است، گفت: جلوتر از پدرت حرکت نکن بلکه درکنارش یا پشت سر او راه برو و

نگذار کسی بین تو و او حایل و فاصله‌ای ایجاد کند، روی سقفی که پدرت در زیر آن

نشسته است، راه نرو، و غذایی را که پدرت نگاه می‌کند نخور، شاید از آن خوشش

آمده است و می‌خواهد آن را بخورد.

• در «عیون الأخبار» آمده است که مامون گفت: کسی را ندیدم که بیشتر از «فضل بن یحیی» به پدرش نیکی کند، «فضل» و پدرش هر دو در زندان بودند «یحیی» عادت داشت که با آب گرم وضو بگیرد، زندانبان از آوردن هیزم به داخل زندان و افروختن آتش جلوگیری کرد، شب سردی بود، هنگامی که یحیی به خواب رفت پسرش «فضل» برخاست و ظرف را پر از آب کرد، بر دست بلند کرد و به شعله چراغ داخل اتاق زندان نزدیک نمود و همچنان ایستاد تا صبح شد و آب گرم گردید. تمامی رنجی را که «فضل» تحمل کرد به خاطر نیکی به پدرش بود به جهت آن که او به وضو گرفتن با آب گرم عادت داشت.

• «صالح العباسی» در مجلس «منصور» نشسته بود و با او صحبت می کرد، جمله (پدرم خدایش رحمت کند) را بسیار تکرار می کرد، دربان منصور که ربیع نام داشت، گفت: جمله طلب ترحم برای پدرت را در حضور امیر، کمتر تکرار کن. صالح گفت: تو را ملامت نمی کنم که لذت داشتن پدر را نچشیده ای «منصور» تبسم کرد و گفت: «این جزای کسی است که با خاندان بنی هاشم در می افتد».

• مردی به خدمت «ابوالدرداء» رسید گفت: پدرم بر ازدواج من اصرار داشت تا اینکه ازدواج کردم و حالا مرا به طلاق امر می کند. «ابوالدرداء» گفت: من نه تو را به طلاق همسرت امر می کنم و نه به مخالفت پدرت، فقط اگر بخواهی، کلامی از پیامبر خدا < را برایت باز گو می کنم، که خود شنیدیم که آن حضرت < فرمود: «نیکی به والدین از درهای ورود به بهشت است اگر می خواهی این در را حفظ کنی، اراده کن و الا آن را رها کن».

(و) نهی از مخالفت و عصیان در مقابل والدین (عقوق)

عقوق والدین به معنی عصیان و نافرمانی و عدم ادای حقوق پدر و مادر است. برای مثال اگر فرزندی با چهره‌ای خشمگین و نگاهی حاکی از غضب به پدرش بنگرد یا خود را مساوی پدرش فرض کند مرتکب عقوق شده است.

از جمله عقوق والدین آن است که فرزند در بوسیدن دست پدر و مادر تکبر بورزد یا به نشانه احترام آنان برنخیزد، یا آنکه شرم داشته باشد که او را به واسطه پدرش بشناسند، خصوصاً در شرایطی که فرزند از لحاظ اجماعی مقام و موقعیتی دارد.

از جمله عقوق نیز آن است که فرزند از پرداخت مخارج پدر و مادر خودداری کند و آنان را مجبور سازد که به قانون متوسط شوند و او را به زور وادار به پرداخت نفقه کنند.

اما بدترین و منفورترین شکل عقوق والدین آن است که فرزند در امر انجام وظایف خود، درباره آنان دلتنگ و ناراحت باشد، غرغر کند، از انجام مسؤولیت خود در مقابل والدین به ستوه آید، صدایش را در مقابل آنها بلند کرده و بر سرشان فریاد بکشد و آنان را با کلمات آزار دهنده برنجاند و قلبشان را جریحه‌دار کند، نسبت به آنان بد دهن باشد و به شخصیت‌شان اهانت نماید.

پس تعجبی نخواهد داشت که می‌بینیم رسول اکرم > از عقوق والدین به شدت نهی می‌کند و هشدار می‌دهد که عقوق والدین سبب گناه و حبوط اعمال شده و انتقام الهی را به دنبال خواهد داشت.

پیامبر ص فرمود: «خداى تعالى بهشت را بر سه گروه حرام كرد: دائم الخمر، كسى كه مرتكب عقوق والدين مى شود و ديوث، كه زن يا فرزندش را به اعمال پليد وادار مى كند.

همچنين آن حضرت p فرمودند: «كل الذنوب يوخر الله ما شاء إلى يوم القيامة إلا عقوق الوالدين، فإن الله يعجله لصاحبه فى الحياه قبل الممات». (خداى تعالى عذاب ارتكاب تمامى گناهان را به روز قيامت واگذار مى كند به جز عقوق والدين كه عذاب آن را خداى تعالى در زندگى قبل از مرگ شامل حال فرد عاصى مى كند».

مهم ترين رهنمودها در ارتباط با رعايت حقوق والدين كه بايد به كودك آموزش داده شود:

- 1- اطاعت پدر و مادر در تمامى امور غير از گناه.
- 2- خطاب قرار دادن آنها با ادب و مهربانى.
- 3- برخاستن در مقابل آنان وقتى كه وارد منزل مى شوند.
- 4- بوسيدن دست آنها، صبح و عصر و در مناسبات مختلف.
- 5- حفظ آبرو و حيثيت و اعتبار و دارايى آنان.
- 6- رعايت احترام و دادن هر چيزى كه طلب مى كنند.
- 7- مشورت با آنان در تمام كارها.
- 8- دعا و طلب بخشش دائمى براى آنان.
- 9- وقتى ميهمان برايشان مى آيد، فرزند در كنار در بنشيند و مراقب نگاه آنان باشد كه شايد با اشاره چيزى بخواهند.
- 10- انجام كارهايى كه والدين به آن امر نكرده اند، اما آنها را خوشحال مى كند.
- 11- بلند نكردن صدا در مقابل آنان.
- 12- در ميان صحبت آنان سخن نگفتن.

- 13- خارج نشدن از منزل بدون اجازه آنها.
- 14- بیدار نکردن ناگهانی آنان از خواب.
- 15- برتری ندادن همسر یا فرزند بر آنان.
- 16- اگر کاری کردند که موافق میل ما نبود آنها را سرزنش نکنیم.
- 17- خودداری از خنده بی‌مورد در حضور آنان.
- 18- نخوردن غذایی که پیش روی آنان است.
- 19- دست نبردن به طرف غذا قبل از آنان.
- 20- دراز نکشیدن و نخواهیدن در حضور آنان مگر آنکه اجازه بدهند.
- 21- دراز نکردن پاها در حضور آنان.
- 22- وارد نشدن و راه نرفتن پیش از آنان.
- 23- جواب گویی ندای آنان به محض شنیدن.
- 24- احترام گذاشتن به دوستان آنان در زمام حیات و بعد از مرگ.
- 25- دوستی نکردن با کسانی که به پدر و مادر بدی می‌کنند.
- 26- دعا برای آنان خصوصاً بعد از مرگ که سودمند است و تکرار آیه ﴿وَقُلْ رَبِّ اَرْحَمَ هُمَا كَمَا رَبَّيْنِي صَغِيرًا ۝۲۴﴾ «پروردگارا آنان را مورد رحم و عطوفت خویش قرار ده چنانکه مرا از کودکی با مهر خویش پروردند».

آداب اجازه گرفتن برای ورود به منزل یا اتاق

اجازه گرفتن نیز آداب خاص خود را دارد که باید به کودک تعلیم داده شود که مشمول

کلام مبارک خدای متعال است که می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَيْسَ تَزِدُّكُمْ ءَلِيْنَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۖ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا ءَلْ حُلُمٍ مِّنْكُمْ ۖ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ۖ مِّنْ قَبْلِ صَلَوةِ ءَلِ فَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِّنَ الظَّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَوةِ ءَلِ عِشَاءٍ ۖ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ ۚ لَىَّ سَ عَلَى كُمْ ۖ وَلَا عَلَىٰ هِمٌّ ۚ جُنَاحٌ عَلَىٰ ذَهْنٍ ۚ طَوْفُونَ عَلَىٰ كُمْ بَعْضُكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ ۚ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمْ ءَلْ ءَايٰتِهِ ۚ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ ٥٨ وَإِذَا بَلَغَ ءَلْ ءَطْفَ ءَلْ مِّنْكُمْ ءَلْ حُلُمٍ فَلْيَسَّ تَزِدُّوا كَمَا ءَسَّ تَزِدَّ ءَلِ الَّذِينَ مِّنْ قَبْلِ هِمٍّ ۚ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمْ ءَايٰتِهِ ۚ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ ٥٩﴾ [النور: 58-59].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید آنانکه مالکشان هستید و کسانی از شما که به حد احتلام نرسیده‌اند، باید از شما در سه وقت اجازه بگیرند: قبل از نماز فجر و هنگام نیمروز که جامه‌های خود را در می‌آورید و بعد از نماز عشاء، این سه وقت خلوت شماست، پس از این سه وقت بر شما و ایشان با کی نیست که برگرد شما بگردند یا بعضی از شما برگرد بعضی دیگر، بگردد. بدینگونه خداوند برای شما آیات را بیان می‌کند و خداوند دانا و حکیم است و چون اطفال شما به بلوغ رسیدند باید اجازه بگیرند، چنانکه کسانی که قبل از ایشان بودند برای ورود اجازه می‌گرفتند».

خداوند سبحان به والدین و مربیان امر می‌کند که براساس نص قرآنی کودکانی را که هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند آموزش دهند که در سه حالت از پدر و مادر اجازه ورود بگیرند:

1- قبل از نماز صبح زیرا مردم در این حالت در خواب هستند و پدر و مادر در رختخواب خود استراحت می‌کنند.

2- هنگام ظهر زیرا زن و مرد لباس راحت می‌پوشند.

3- بعد از نماز عشاء، زیرا وقت خواب و استراحت است.

و دستور اجازه گرفتن کودکان و اهل خانواده در این سه وقت از پدر و مادر به این دلیل است که شاید پدر و مادر در حالتی باشند که نمی‌خواهند کودکان آن‌ها و هیچکس دیگر آن‌ها را ببیند.

اما پس از اینکه اطفال به سن رشد و بلوغ رسیدند غیر از طلب اجازه در این سه وقت، در اوقات دیگر هم باید اجازه بگیرند.

و در آخر آیه دیدیم که خدای متعال فرمود:

﴿وَإِذَا بَلَغَ الْإِنْسَانُ أَطْفَالَهُ مِنْكُمْ أَلْهَلُمَّ فَلْيَسِّرْ تَزْنُوا كَمَا أَسَرَّ تَزْنِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ «چون اطفال شما بالغ شدند باید اجازه بگیرند چنانکه کسانی که قبل از ایشان بودند اجازه می‌گرفتند».

براساس این اشارات قرآنی در می‌یابیم که تا چه حد دین اسلام به تربیت اجتماعی و تکوین اخلاقی و روانی فرد مسلمان توجه کرده است، تا هنگامی که به سن جوانی رسید نمونه زنده‌ای از انسان متکامل در آداب و اخلاق و رفتار باشد».

والدین ومسائل جنسی فرزندان

آیا جایز است که در هنگام ورود به دوران ازدواج او را از کیفیت روابط جنسی آگاه سازیم؟

بسیاری از افراد در پاسخ به این پرسش‌ها ناتوان می‌مانند زیرا نمی‌دانند جایز است یا نه؟

ابتدا باید گفت بر اساس ادله شرعی که به زودی بیان می‌شود، مربی و والدین می‌توانند با صراحت درباره مسائل جنسی با بچه‌های خود سخن بگویند و گاهی صریح گفتن مطلب واجب خواهد شد زیرا یک حکم شرعی بر آن مترتب می‌باشد.

ادله شرعی که اثبات کننده جواز صراحت در این باب می‌باشد به شرح زیر است.

۱- آیات زیادی که در ارتباط با روابط جنسی، خلقت انسان و اعمال منکر، سخن می‌گویند ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِغُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ۝ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ۝ فَمَنْ أَبْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَٰعِدُونَ ۝﴾ [المؤمنون: 5-7].

«و آنان که اعضای تناسلی خود را از فعل حرام حفظ می‌کنند، مگر برای همسر و ملک یمین خود، که در این مورد ملامت نخواهند شد، کسی که غیر از این را بطلبد، پس به درستی که آنان از تجاوزکارانند».

﴿أَحِلَّ لَكُمْ لَىٰ لَٰلَةِ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ ۚ﴾ [البقرة: 187].

«برای شما حلال شد که شب‌های روزه [ماه رمضان] با همسرانتان نزدیکی کنید».

﴿وَيَسِّرْ لَّوْنَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَأَعِزُّوا نَسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ﴾
[البقرة: 222].

«ای محمد! از تو در مورد حیض سؤال می‌کنند بگو که آن آزاری است، پس از زنان در هنگام حیض دوری کنید [از جهت روابط جنسی] و به آنان نزدیک نشوید تا پاک می‌شوند و هنگامی که پاک شدند پس با آنان نزدیکی کنید از جایی که خداوند امر فرموده است».

﴿نِسَاءَ وَكُفٍّ حَرِّثَ لَكُمْ فَأَتُوا حَرِّثَكُمْ أَنِّي شَيْءٌ تُمْ﴾ [البقرة: 223].

«زنان شما کشتزار شمايند پس با آنان نزدیکی کنید، هر کجا و هر وقت که بخواهید».

﴿وَإِنْ طَلَّقَ تُمْهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ قَرَضَ تُمْ لَهْنٍ قَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا قَرَضَ تُمْ﴾ [البقرة: 237].

«و اگر زنان را طلاق دادید، قبل از آن که با آنان نزدیکی کرده باشید، باید نصف مهری را که مقرر کرده‌اید به آنان پرداخت نمایید».

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلْءٍ لَهُ مِّنْ طِينٍ ۖ ۱۲ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً ۖ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ ۖ ۱۳﴾ [المؤمنون: 12-13].

«و به تحقیق انسان را از عصاره‌ای از گل خلق نمودیم، پس او را به صورت نطفه‌ای در قرارگاه استواری جای دادیم».

﴿وَوَصَّىٰ نَا أَلِإِنْسَانِ بِوَلَدَيْهِ إِحْسَانًا ۖ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا ۖ وَحَمَّ لَهُ وَفِصْلُ لَهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا﴾ [الأحقاف: 15].

«و انسان را به نیکی کردن به والدینش سفارش کردیم. مادرش او را به زحمت حمل نمود و به زحمت او را زایید و حمل و شیر دادنش سی ماه است».

﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَ ۖ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً ۖ وَسَاءَ سَبِيلٌ ۚ﴾ [الإسراء: 32].

«به زنا نزدیک نشوید که به راستی کاری زشت و راهی بد است».

﴿الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً ۖ وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ ۖ وَحُرِّمَ ذَٰلِكَ عَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ ۚ﴾ [النور: 3].

«مرد زنا کار فقط زن زناکار یا مشرک را نکاح می کند و زن زناکار را کسی جز مرد زناکار یا مشرک نکاح نخواهد کرد و این بر مؤمنین حرام شده است».

﴿وَلَوْ طَآ إِذَآ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ آلَ فَاحِشَةً مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ آلِ عَالَمِينَ ۚ ۸۰ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً ۖ مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ ۚ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ۚ﴾ [الأعراف: 80-81].

«و لوط [را به یادآور] هنگامی که به قومش گفت: آیا عمل فحشایی را مرتکب می شوید که تا به حال هیچ انسانی در دنیا مرتکب آن نشده است؟ شما به جای زنان برای ارضای شهوات خود با مردان نزدیکی می کنید. شما قومی مسرف هستید».

این آیات با صراحت تمام در مورد عواملی که موجب حفظ عضو تناسلی انسان از ارتکاب فحشا می‌شود و از کسانی که «فرج» خود را حفظ می‌کنند و آنان که حفظ نمی‌کنند سخن می‌گوید و درباره نزدیکی با زنان در شب‌های ماه رمضان، حیض و دوری از زنان، محل کاشته شدن نطفه، طلاق زن قبل از نزدیکی، نطفه و تکوین آن در رحم، خلقت انسان و نطفه زن و مرد و حامله شدن زن و شیر دادن نوزاد، زنا و این که عملی زشت است و نزدیکی با مردان، بحث می‌کند و مطالب دیگری که در آیات مختلف در ارتباط با مسائل جنسی و حس شهوانی مطرح شده است.

فرزندی که در سن تمیز و تعقل است، تفسیر این آیات را چگونه می‌تواند بفهمد؟ اگر از جانب مربی و معلمش حقایق و تفسیر آن بیان نگردد و هیچ انسان اندیشمند و عاقلی نخواهد گفت که لازم است مربی به جای گفتن تفسیر آیات مطالبی دیگر بگوید که ارتباطی با مفاهیم مورد نظر نداشته باشد یا فقط به گفتن الفاظ اکتفا کند و بدون تفسیر و توضیح از آن بگذارد.

واضح است که چنین شیوه‌ای مغایر با قواعد تربیت اصیل اسلامی است، زیرا در جایی که کتاب عظیم خداوند به صراحت سخن می‌گوید ما شایسته نیست که حقایق را بپوشانیم و کتمان کنیم، در این راه باید همراه و موافق با قرآن کریم پیش رویم که می‌فرماید:

(كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِّيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا
الْأَلْبَابِ) (۲۹) [ص: 29].

«کتابی مبارک است که به سوی تو نازل کرده‌ایم تا در آیاتش بیاندیشند و صاحبان اندیشه متذکر شوند».

قرآن کریم کسانی را که قرآن را می‌خوانند و در آن تدبر نمی‌کنند نکوهش می‌نماید و آنان را به قساوت نفسانی و قفل بودن قلب و داشتن روانی تهی از معنویت، متهم می‌سازد و برای همین می‌فرماید:

﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ أَلَمْ نَقْرَأْكَ أَنْ أَمَّا عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا ۚ﴾ [محمد: 24].

«آیا در قرآن تدبر نمی‌کنند، یا این که بر قلب‌ها قفل‌هایی است».

بنابراین در می‌یابیم که قرآن تمامی فرهنگ روابط جنسی را شامل می‌شود و با توجه به نشانه‌هایی که آشکار کرده و افق‌هایی که برای ما در این باب گشوده است، اشکالی نخواهد داشت که ما نیز در این باب سخن بگوییم.

از ثمرات مفید و اندیشمند این فرهنگ قرآنی آن است که انسان مسلمان به خوبی می‌داند که چه چیز حلال است و چه چیز حرام، فرهنگی است که کوچک و بزرگ و پیر و جوان و زن و مرد از آن برخوردار هستند.

از ثمرات دیگر این فرهنگ غنی آن است که هرگاه انسان مسلمان بر آیات خلقت انسان و تطور و تکامل او می‌گذرد و به مراحل تحول او در رحم مادر از نطفه به جانب علقه و سپس تبدیل شدن به مضغه تا تبدیل شدن به انسانی کامل، دقت کند ایمان و یقینش فزونی می‌یابد و بر راه دین استوارتر می‌شود.

و ثمره دیگر آن است که انسان مسلمان در می‌یابد که دین جاودانه اسلام برای تمامی شرایط او اوضاع مختلف با گذشت زمان و تغییر مکان جواب‌گو است و تنها دینی است که

تمامی ندهای روان انسان را لیک می‌گوید و پا به پای تکنولوژی و پیشرفت علمی و صنعتی انسان پیش می‌آید، تا زمانی که خدای تعالی زمین و ساکنان آن را باز پس گیرد.

2- از جمله دلایل مهم دیگر که ضرورت صراحت‌گویی را در باب مسائل جنسی با کودکان تأکید می‌کند، آموزش دادن به فرزند در سن تمیز در ارتباط با احکام بلوغ و تحولاتی است که در پا گذاشتن به سن نوجوانی برای او حادث می‌گردد، تا اگر پدیده‌های جدید جنسی و تغییرات جسمی که پیش می‌آید، به گونه‌ای باشد که فرد بداند چه چیز بر او واجب است و چه امری را لازم است ترک کند و به طور خلاصه حلال و حرام را در این باب به خوبی بداند.

در این رابطه در مبحث «آموزش دادن احکام بلوغ و نوجوانی به فرزند» به تفصیل سخن گفته‌ایم که مربی عزیز با رجوع به آن می‌تواند عطش خود را در این باب فرو نشاند.

3- دلیل دیگری که صراحت را در امر مسائل جنسی مطرح می‌کند، آموزش دادن به فرزند در ارتباط با روابط جنسی و مسایل و اشباع صحیح غریزه است - در زمانی که به دوران ازدواج گام گذاشته است - که خواننده عزیز و مربی گرامی با رجوع به آن می‌تواند داروی درد را بیابد.

آنچه بیان گردید مهم‌ترین دلایل جواز «صراحت‌گویی» در ارتباط با مسائل جنسی با فرزندان بود، در زمانی که به سن بلوغ گام می‌گذارند و به آن نیاز دارند.

پس ای پدر و مادر گرامی! ای مربی عزیز! برخیز! و کمر همت ببند! و مسؤولیتی را که در قبال فرزندت به عهده داری بپذیر! خصوصاً در باب تربیت جنسی فرزندان، زیرا شرع بر تو واجب کرده است که با شرح و آموزش این حقایق چشم بصیرت و بینش فرزندان را بگشایی تا در دام جهل و ورطه گناه و بیابان گمراهی، گرفتار نشوند.

اما در این جا تذکر دو نکته را لازم می دانم:

- 1- آموزش های لازم را در ارتباط با سن فرزند به او بدهید و جای هر مطلب را رعایت کنید، برای مثال آموزش روابط جنسی به کودک در ده سالگی جایی ندارد و عاقلانه نیست و در عین حال در همین سن از آموزش احکام بلوغ و نوجوانی نباید غافل شد.
 - 2- بهتر است بخش تربیت جنسی دختران به عهده مادران شان باشد، آموزش این مسایل اگر از جانب مادر باشد دختر بهتر آن را فرامی گیرد و از لحاظ ارتباط عاطفی و روحی به مادر نزدیک تر نیز می باشد. در صورتی که مادر وجود نداشت، خانم مؤمن و دانایی که می تواند جای مادر را بگیرد این مسایل را باید تعلیم دهد.
- والدین محترم و مریبان عزیز! آنچه تقدیم شد خطوط اصلی و اساسی تربیت جنسی فرزندان بود، طریقی که موجب تکوین رفتاری و ضبط و سیطره بر احساس ها و غرایز می شود.

رفتار کودک متأثر از رفتار والدین

اگر پدر و مادر می خواهند رشد و پرورش فرزندشان آمیخته با صداقت، امانت، عفت، مهر و محبت و دوری از باطل باشد باید خود اسوه ای از انجام عمل خیر و دوری از شر و تحلی به فضایل و تخلی از رذایل و پیروی از حق و پیشگام بودن در راه امور متعالی و ارزشمند و پرهیز از امور پست و منکر باشند.

فرزندى که می بیند پدر و مادرش دروغ می گویند امکان ندارد که راست گویی را یاد بگیرد.

فرزندى كه مى بيند پدر و مادرش حقه باز يا خيانت كارند، هيچ گاه امانت داري را ياد نمى گيرد.

فرزندى كه مى بيند پدر و مادرش در بي عفتى و بي اخلاقى غرقند، فضيلت و متانت را ياد نخواهد گرفت.

فرزندى كه كلمات كفر و دشنام و ناسزا را از پدر و مادر مى شنود، چگونه مى تواند شيرين زبان و خوش رفتار باشد؟

فرزندى كه خشم و بي ثباتى رفتارى و سخت گيرى پدر و مادر را مى بيند، چگونه مى تواند شخصيتى متعادل و متوازن داشته باشد؟

فرزندى كه پدرش جفاكار و قسى القلب است، امكان ندارد كه مهر و مودت و لطافت اخلاقى را ياموزد.

آرى، اين گونه است كه مى تواند عزيزان خود را بر اساس خير و فضيلت اخلاقى پرورش دهد، هنگامى كه فرزند پدرش را به عنوان الگو پيش روى خود مى بيند به طريق انحراف نخواهد رفت و به راه كفر گام نمى گذارد و به جانب فسق و فجور نخواهد رفت.

اما از فرزندى كه پدر و مادري منحرف و خشن دارد نمى تواند انتظار رفتن به راه راست را داشت.

هل يرجى الأطفال كمال إذا ارتضعوا ثدى الناقصات؟

آیا از فرزندانی که شیر از پستان مادران پست خورده‌اند، می‌شود انتظار کمال و بزرگی داشت؟

2- خانواده و برخورد با مشکلات

3- خانواده و معنویات

4- خانواده و شادی

5- خانواده و مصیبت‌ها

فضیلت صبر در مرگ فرزندان

انسان مسلمان هنگامی که به درجهٔ والایی از ایمان می‌رسد و از لحاظ یقین به منزلت بلندی دست می‌یابد و اعتقادش راسخ می‌شود که حوادث خوب یا بد زندگی مقدر است و روی دادن آن حکمتی دارد و همه از جانب خداست، آنگاه اتفاقات بزرگ هم در دید او کوچک و بی‌مقدار می‌گردد، مصیبت‌ها در نظرش حقیر می‌نماید و با دلی مطمئن و ضمیری آرام، هرگاه حادثه یا واقعهٔ ناگواری پیش آمد، خود را تسلیم خدای توانا و دانا می‌کند. به قضای او راضی می‌شود و در مقابل فرمان و تقدیرش خضوع و خشوع خویش را به اثبات

می‌رساند، و بر این اساس است که رسول اکرم ص می‌فرماید: «کسی که فرزندش می‌میرد و وقتی که خبر به او می‌دهند، می‌گوید: همه از آن خدائیم و بسوی او باز می‌گردیم و صبر می‌کند، در بهشت برای او خانه‌ای به نام خانه «حمد» بنا می‌کنند».

«ترمذی» و «ابن حبان» از «ابوموسی اشعریس» روایت می‌کنند که رسول خدا ص فرمود: «إِذَا مَاتَ وَلَدُ الْعَبْدِ قَالَ اللَّهُ لِمَلَائِكَتِهِ: قَبِضْتُمْ وَلَدَ عَبْدِي؟ قَالُوا: نَعَمْ، قَالَ: قَبِضْتُمْ ثَمَرَةً فُؤَادِهِ؟ قَالُوا: نَعَمْ، قَالَ: فَمَا قَالَ؟ قَالُوا: اسْتَرْجَعَ وَحَمِدَكَ، قَالَ: ابْنُوا لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَسَمُّوهُ بَيْتَ الْحَمْدِ». «وقتی که فرزند بنده‌ای از بندگان خدا فوت می‌کند، پروردگار جهانیان به ملائک می‌گوید: آیا روح فرزند بنده‌ام را قبض کردید؟ می‌گویند: آری. می‌فرماید: آیا روح جگر گوشه‌اش را گرفتید؟ می‌گویند: آری. می‌فرماید: بنده‌ام چه گفت؟ می‌گویند: سپاس تو را به زبان آورد و گفت: ما همه از آن خدائیم و بسوی او باز می‌گردید. می‌فرماید: پس در بهشت منزلی برایش بسازید و آن منزل را خانه حمد نام بنهید».

آری، می‌بینید چنین درخت صبری چه میوه‌ای می‌دهد! میوه‌اش را انسان مؤمنی می‌چیند که رنج فراق را بر خویش هموار کرده صبر می‌نماید، آن هم در چه روزی، روزی که مال و فرزند دیگر اثری ندارد.

پس یکی از فایده‌های این رفتار نیکو راهیابی به بهشت و محفوظ ماندن از آتش است. «بخاری» و «مسلم» از «ابوسعید خدریس» روایت می‌کنند که رسول خدا ص با تعدادی از زنان صحبت می‌کرد، فرمودند:

«مَا مِنْكُنَّ امْرَأَةٌ يَمُوتُ لَهَا ثَلَاثَةٌ مِنَ الْوَلَدِ إِلَّا كَانُوا لَهَا حِجَابًا مِنَ النَّارِ فَقَالَتْ امْرَأَةٌ أَوْ اثْنَانِ فَإِنَّهُ مَاتَ لِي اثْنَانِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوْ اثْنَانِ».

«زنانی که سه فرزندشان وفات نموده و صبر کرده‌اند در قیامت مرگ آنان (فرزندان) مانع آتش جهنم است، یکی از زنان گفت یا رسول‌الله ص این فضیلت برای کسی که دو فرزندش فوت کند نیز هست؟ فرمود: آری.»

یکی از راویان به جابر می‌گوید: آیا فکر می‌کنی اگر از آن رسول بزرگوار ص می‌پرسیدی که آیا این فضیلت در مرگ یک فرزند نیز هست؟ همین جواب را می‌داد؟ جابر می‌گوید: آری.

یکی دیگر از فوائد این صبر آن است که فرزندی که می‌میرد، اگر صغیر باشد در قیامت برای پدر و مادرش شفاعت خواهد کرد.

«طبرانی» از «حبیبه» روایت می‌کند که می‌گوید: فرمودند:

«هر مسلمانی که سه فرزندش قبل از رسیدن به سن بلوغ وفات می‌نمایند، روز قیامت آنان را بر در بهشت متوقف می‌کنند، پس می‌گویند: وارد شوید! می‌گویند: ما وارد بهشت نمی‌شویم، تا پدران ما نیز وارد شوند، به آن‌ها گفته می‌شوند: پس همراه با پدرانتان وارد بهشت گردید.»

از «ابوحسان» روایت می‌کند که گفت: دو پسر فوت نمودند به ابو هریره گفتم، آیا کلامی از رسول خدا ص شنیده‌ای که بیان آن، غم مرگ عزیزان ما را تسلی دهد؟ گفت: آری. «کودکانی که مرده‌اند در قیامت همیشه دست یا گوشه لباس پدر و مادرشان را می‌گیرند و به دنبال والدین خود هستند و از آن‌ها جدا نمی‌شوند، تا خدای رحمان آن‌ها را همراه پدر و مادرشان وارد بهشت کند.»

یکی از موضع گیریهای به یادماندنی در تاریخ اسلام که ایمان قهرمانانه و کم نظیر زنان صحابهش - خدا از ایشان راضی باد - را می‌رساند و دلالت بر صبر و ایمان و تسلیم و رضا در مقابل خدا هنگام مرگ فرزند دارد، موضع گیری «ام سلیم» - خدا از او راضی باد - می‌باشد، برخوردی شگفت‌انگیز و تحملی عظیم که بهتر است بیان آن را به حدیث مبارک ذیل واگذاریم تا آن را بطور کامل بشنوید.

نقل شده: فرزند «ابوطلحه» مریض بود. ابو طلحه برای کاری بیرون رفت، فرزندش در غیاب او فوت نمود، هنگام مراجعت به منزل از همسرش سؤال کرد: حال بچه چطور است؟ ام سلیم پاسخ داد: در آرامش مطلق است. ابوطلحه آنگونه فهمید که بچه شفا یافته است سپس همسرش شام را پیش آورد و غذا خوردند، «ام سلیمس» سپس مانند همیشه و بهتر از قبل آرایش کرد و آن شب با همسرش نزدیکی کرد، بعد از آنکه دید همسرش از هر جهت تامین شده است، گفت: ابوطلحه سؤالی دارم اگر کسی به خانه‌ای امانتی دهد و پس از مدتی امانتش را طلب کند، آیا صحیح است که باز پس ندهند؟ گفت: نه! گفت: پس صبر پیشه کن و از خدا برای صبرت اجر طلب کن که فرزندت مرده است. ابوطلحه خشمگین شد، گفت: چیزی نگفتی تا جنب شدم، آنگاه می‌گوئی پسر مرده است. سپس به نزد رسول خدا ص آمد و شرح ماجرا را باز گفت، پیامبر اکرم ص کار ام سلیم را تأیید فرمودند و گفتند: «خداوند به این شب تو و همسرت برکت ببخشد» و روایت دیگری هست که فرمودند: «خدایا به این دو برکت ببخش». آن شب منشأ فرزندش شد که پیامبر نامش را عبدالله نهاد، مردی از انصار می‌گوید: «عبدالله» بعدها صاحب نه فرزند شد که همه اهل قرآن بودند. در واقع این استجاب دعاى پیامبر خدا، بود که فرمود: خدایا به این زن و شوهر برکت ببخش.

تردیدی نیست که وقتی ایمان در قلبی نفوذ کند، شگفتی می‌آفریند، زیرا ضعف را به قدرت، ترس را به شجاعت، بخل را به سخاوت و بی‌صبری و بی‌قراری را به صبر و بردباری تبدیل می‌کند.

چه شایسته است که پدران و مادران به ایمان خویش متکی باشند و به سلاح یقین مجهز گردند، تا اگر مصیبت مرگ فرزند پیش آمد، بی‌تابی و بی‌قراری نکنند و سخن آنان این باشد که هر چه خدا داده و هر چه می‌گیرد همه متعلق به اوست و هر چیزی نزد او زمانی مشخص و معین دارد، پس باید صبر کرد و باید رنج مرگ فرزند را بر خویش هموار نمود تا ثواب و اجر اخروی از جانب کسی که حکم و فرمان بدست اوست نصیب ما شود.

6- خانواده و بهداشت و سلامتی

عادت دادن کودک به تمرین‌های ورزشی و سوارکاری این بخش از تربیت، مصداق و تحقق فرموده خدایتعالی است که در سوره انفال اینچنین آمده است:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا أَسَّ تَطَعٌ تُمْ مِّنْ قُوَّةٍ﴾ [الأنفال: 60].

«هر چه از نیرو و توان دارید برای مقابله با دشمنان فراهم کنید»!

و اجرای فرمان پیامبر گرامی ماست که فرمود: «المؤمن القوى خير وأحب إلى الله من المؤمن الضعيف...» «مؤمن نیرومند، نزد خدایتعالی از مؤمن ضعیف محبوب‌تر است...» (روایت مسلم).

به دلایل زیر اسلام پیروان خود را به آموزش شنا، سوارکاری و تیراندازی دعوت می‌کند:

پیامبر اکرم ص فرمود: «كل شيء ليس من ذكر الله فهو لهو أو سهو إلا أربع خصال: مشي الرجل بين الغرضين (للمرمي)، وتأديب فرسه، وملاعبته أهله، وتعليمه السباحة». «هر چه در آن ذکر خدایتعالی نباشد سرگرمی بیهوده یا خطاست، مگر چهار مورد: تیراندازی، رام کردن اسب (اسب سواری)، بازی و شوخی با زن و فرزند و آموزش شنا». (روایت طبرانی) حدیث حسن.

در روایت آمده است که رسول خدا ص آیه (وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسَّ تَطَعْتُمْ مِّنْ قُوَّةٍ) را تلاوت کرده و فرمود: «ألا إن القوة الرمي، ألا إن القوة الرمي، ألا إن القوة الرمي». «منظور از قوه در آیه تیراندازی است و این جمله را سه بار تکرار کرد».

در روایت آمده است که هرگاه پیامبر اسلام ص از کنار گروهی تیرانداز که تمرین می‌کردند، می‌گذشت، می‌فرمود: «ارموا وأنا معكم كلکم». «تیراندازی کنید که من نیز با شما همراهم».

از این موضوع نیز می‌توان دریافت که چگونه اسلام بین عبادت و جهاد ارتباط برقرار کرده است و نمایش رزم جنگی را در داخل مسجد مجاز می‌داند.

«شرط‌بندی جایز نیست، مگر در مسابقه شترسواری، اسب سواری و تیراندازی».

مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر براساس ادله ذیل در اسلام حرام است:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا آلَ خَمْرٍ وَآلَ مَيْسِرٍ وَآلَ أَنْصَابٍ وَآلَ أَزْلَمٍ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ٩٠ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ أَلْعَدُوَّهُ وَآلَ بَغِضَاءٍ فِي آلِ خَمْرٍ وَآلَ مَيْسِرٍ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ ۖ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ٩١) [المائدة: 90 - 91].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تحقیقاً شراب، قمار، بت‌ها و تیرهای قرعه‌کشی، پلید بوده و جزو اعمال شیطانی می‌باشد از آن دوری کنید شاید رستگار شوید، براستی شیطان می‌خواهد به سبب مشروبات و قمار بین شما کینه و دشمنی ایجاد کند و شما را از ذکر خداوند و نماز باز دارد، آیا دیگر دست نمی‌کشید؟»^۶

و پیامبر اکرمؐ فرمودند: «لعن الله الخمر وشاربها وساقیها ومبتاعها وبائعها وعاصرها ومعتصرها وحاملها والمحمولة إلیه». «خدا تعالی مشروبات الکلی، سازنده، نوشنده،

۶- بعضی‌ها که دچار انحراف و لغزش قلبی هستند می‌گویند کلمه ﴿فَاجْتَنِبُوهُ﴾ در این آیه دال بر تحریم نیست و اگر شراب حرام بود می‌فرمود فحرّموه.

این ادعا باطل است. هفت دلیل برای حرام بودن مشروبات سکرآور وجود دارد.

۱) همطراز کردن مشروبات با انصاب و ازلام ۲- متصف کردن آن به «رجس» (پلیدی) ۳- متصف کردن آن به «عمل شیطانی» ۴- صیغه امر در کلمه ﴿فَاجْتَنِبُوهُ﴾ که دلالت به دست نگه داشتن و انجام ندادن دارد ۵- ایجاد کینه و دشمنی ۶- عامل مانع ذکر خدا و نماز ۷- صیغه استفهام انکاری در گفته خدای عز و جا: ﴿فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ﴾ ۹۱.

آیا دلایلی قاطع‌تر از این بر تحریم مشروبات الکلی وجود دارد اما انسان‌های ظالم آیات الهی را انکار می‌کنند (مؤلف).

فروشنده، حمل کننده، انبار کننده، نگهدارنده، و ساقی آن را لعنت کرده است» (روایت ابوداود).

دلایل حرام بودن مواد مخدر

(أ) تحریم مواد مخدر، مشمول قاعده استنباط شده از آیه (وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَىٰ هِمُّ آلَ خَبَثٍ) [الأعراف: 157] و حدیث «لا ضرر ولا ضرار فی الإسلام» می باشد.

(ب) همچنین مشمول حدیثی است که در آن «ام سلمه» (همسر پیامبر ص) می گوید: رسول خدا ص از هر ماده مسکر و مفتّر (سست کننده) نهی کرد. همچنانکه می دانیم مواد مخدر سست کننده است و این نهی آن را نیز شامل می شود.

(ج) دلایلی که برای حرام بودن مشروبات الکلی مطرح شد در مورد مواد مخدر نیز صدق می کند، زیرا باعث اختلال و عدم تعادل عقلانی می شود و ذهن آدمی را از حالت طبیعی یعنی هوشیاری حاکم بر آن خارج می کند.

بنابراین موادی مانند حشیش، کوکائین، هروئین و غیره که تاثیر شدیدی بر عقل می گذارد و مصرف کننده آن ها دور را نزدیک و نزدیک را دور می بیند، تصاویر خیالی و غیرواقعی در برابر چشمانش ظاهر می شود و در دریایی از اوهام و خیالات غرق می شود و در این سرگردانی و گمراهی، خود و دنیای اطرافش را فراموش می کند، مسلماً مشمول تعریف خمر خواهد بود.

در اینجا سؤالی پیش می آید، آیا می توان مشروبات الکلی را بعنوان دارو مصرف کرد؟

جواب سؤال ما را پیامبر گرامی ص داده اند.

مردی از رسول خدا درباره خمر (مشروبات الکلی) سؤال کرد، آن حضرت فرمودند:

«حرام است». گفت: ای پیامبر خدا، من آن را بعنوان دارو می‌سازم! پیامبر ص فرمود:
«خمر خود درد است و دوا نیست»

همچنین فرمود: «خدایتعالی با هر دردی دارویی نازل کرده است پس برای شفای
بیماریتان از داروها استفاده کنید، اما برای مداوا از داروی حرام بهره نگیرید»

و فرمود: «پروردگارتان شفای شما را در آنچه بر شما حرام کرده، قرار نداده است»

نصوص مورد بحث دلالت می‌کند که استفاده از مشروبات الکلی بعنوان دارو حرام است
و کسی که به انجام این کار مبادرت نماید گناهکار خواهد بود.

اما بعضی از داروها که با نسبت معینی از الکل مخلوط می‌گردد تا از فاسد شدن دارو
جلوگیری کند یا اثر مفیدی داشته باشد و تنها راه مداوای بیماری باشد، استفاده از آن جایز
است.

در اینصورت طبیعی می‌تواند اینچنین داروهایی را تجویز کند که در کار خود مهارت
داشته باشد و از خدا در آشکار و پنهان خود بترسد.

دلیل مباح بودن این تجویز آن است که اساس احکام شرع اسلام بر آسانی و جلب
مصلحت و رفع مشکلات مردم است، مفاهیم فوق را از این آیه استنباط کرده‌ایم.

(فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ) [البقرة: 173].

«پس کسی که در شرایطی اضطراری قرار گرفت در حالیکه گناهکار یا تجاوزگر نیست گناهی بر او نخواهد بود».

درمان اصولی و ریشه‌ای این پدیده:

1- تربیت شایسته

2- حذف علل و عوامل روی آوردن به مشروبات الکلی و مواد مخدر

3- مجازات مصرف‌کنندگان

(أ) تربیت شایسته

در این باره قبلاً بحث کرده‌ایم، همچنانکه اشاره کرده‌ایم، پرورش فرزندان از همان سنین کودکی براساس ایمان به خدایتعالی و ترس از او و احساس حضور و نظارت الهی در نهان و آشکار صورت می‌گیرد.

تربیت براساس اصول صحیح و روش معین، اثر بسیار بزرگی در تکوین روحی و اصلاح شخصیت و تعالی اخلاق دارد. با نگاهی گذرا به تاریخ اسلام در می‌یابیم که تحول شگفت‌انگیز اعراب و ترک عادات ناپسند آنان که با کمال رغبت در زمان جاهلیت براساس آن زندگی می‌کردند به این علت بود که شخصیت و روان آنان بر مبنای ایمان به خدایتعالی و حسن خشیّت و حضور الهی نقش پذیرفت و تمامی آنچه را که با این آئین مقدس و بلندمرتبه ناسازگار بود، کنار گذاشتند.

عرب جاهلی به شراب علاقه‌ای مفرط داشت، اشعار جاهلی مملو است از وصف و مدح شراب.

یکی از شعرای عرب می‌گوید:

إذا مت فادفنی إلی جنب کرمه تروی عظامی بعد موتی عروقها

بعد از مرگم مرا در کنار درخت انگوری دفن کنید تا ریشه‌های آن استخوانهایم را
سیراب نماید.

شراب در ادبیات عرب جاهلی بیش از صدنام به خود اختصاص داده بود.^۷

با تمام تعلق خاطری که اینان به شراب داشتند بعد از نزول آیه تحریم خمر، همه آنان
گفتند: پروردگارا! شراب را رها کردیم و دیگر به آن لب نخواهیم زد و هر آنچه شراب
داشتند، بیرون ریختن طوری که تمام کوچه‌های مدینه را خیس کرد. آری زمانی که ایمان،
با رگ و پی و خون انسان در می‌آمیزد و به اعماق وجودش نفوذ می‌کند، اینچنین شگفتی
می‌آفریند و آنچنان اثری در تربیت و اصلاح انسان دارد و اعمال فردی و اجتماعی مختلفی
را امکان‌پذیر می‌سازد که دولت‌ها از انجام آن عاجز و قدرت‌های نظامی در برابر ناتوانند.

حق اقوام و خویشاوندان (حق الارحام)

ارحام به تمام کسانی اطلاق می‌گردد که به نوعی با انسان ارتباط داشته باشند. این ارتباط می‌تواند نسبی باشد یا سببی، که به ترتیب زیر می‌باشد:

پدران و مادران، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، خواهر و برادر، عمه و عمو، فرزندان برادر و خواهر، دایی و خاله، و به این ترتیب تا کسانی که بعد از آنان هستند و از لحاظ خویشاوندی دورترند.

1- پیامبر اکرم (ع) از جانب خدای عزوجل می‌فرماید:

«من پروردگار شما هستم و رحمانم و رحم را خلق کرده‌ام و اسم آن را از نام خود گرفته‌ام کسی که صله رحم را به جای آورد، من نیز با او رابطه دارم و کسی که رابطه با ارحام را قطع کند من با او قطع رابطه خواهم کرد».

در اینجا برخی از آیات قرآن کریم را در این رابطه به عنوان نمونه ذکر می‌کنم.

(وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰكُمْ رَقِيبًا ۝۱)

[النساء: 1].

«و پرهیزید از خداوندی که به نام او از یکدیگر تقاضا می‌کنید و از ارحام هم پرهیزید (مقصود عدم رعایت حقوق ارحام) براستی که خدایتعالی بر شما نظارت کامل دارد».

(وَأَتِ ذَا أُلْقُرَبَّيْ حَقَّهُ ۖ وَالْمَسْكِينِ ۖ وَأَبْنَىٰ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا ۝۲۶)

[الإسراء: 26].

«و حق نزدیکان و مساکین و راه ماندگان را بده و به اسراف مکوش».

﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ۚ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي
الْأَرْحَامِ﴾ [النساء: 36].

«خدایتعالی را بپرستید و به او شرک نورزید! به والدین و نزدیکان و یتام و بینوایان و
همسایه‌ای که رابطه خویشاوندی دارد نیکی کنید!»

و در مقابل، قرآن کریم از قطع ارتباط با ارحام نهی کرده و آن را عصیان و فساد
محسوب نموده و کسی را که مرتکب آن گردد مستحق لعنت و مجازات می‌داند، خدای
تعالی می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بُعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ
وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ الْآخِرَةِ﴾ [الرعد: 25].

«آنانکه پیمان الهی را بعد از آنکه بستند، نقض می‌کنند و هر آنچه را که پروردگار
دستور به وصل آن داده است قطع می‌نمایند و در زمین فساد می‌کنند، لعن (دوری از
رحمت خدا) برای آنان است و بدجایگاهی دارند (در آخرت)».

و همچنین فرمودند:

﴿فَهَلْ عَسَىٰ تُمْ ۖ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ ۖ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ ۚ
أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّىٰ ۚ أَبْصَرَ لَهُمْ ۚ﴾ [محمد: 22-23].

«پس آیا امیدوارید اگر والی شوید (سرپرست و عهده‌دار امور)، در زمین فساد کنید و قطع ارحام خود نمائید، ایشان کسانی هستند که خدایتعالی آنان را لعنت کرده است و آن‌ها را کر و دیدگانشان را کور نموده است».

• **صله رحم سرزمین‌ها را آباد و ثروت‌ها را نتیجه بخش می‌گرداند.**
«ابن عباس ب» می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لِيَعْمَرَ بِالْقَوْمِ الدِّيَارَ، وَيُثْمِرَ لَهُمُ الْأَمْوَالَ، وَمَا نَظَرَ إِلَيْهِمْ مِنْذُ خَلَقَهُمْ بَغْضًا لَهُمْ، قِيلَ: وَكَيْفَ ذَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: بِصِلَتِهِمُ الرَّحِمَ». «خداوند به سبب قومی، سرزمینشان را آباد می‌کند و ثروت‌هایشان را نتیجه بخش می‌گرداند و از روزی که آنان را خلق کرده است با دیده خشم به آنان نمی‌نگرد» گفتند: ای پیامبر خدا، چنین چیزی چگونه ممکن است؟

فرمود: «با به جای آوردن وظیفه صله رحم». (روایت ابن حبان و حاکم)

• **صله رحم باعث بخشش گناهان و پوشیده شدن خطاها می‌گردد.**
«ابن عمر ب» می‌گوید: مردی به خدمت رسول اکرم ﷺ رسید و گفت: من گناه بزرگی مرتکب شده‌ام، آیا امکان توبه کردن برای من وجود دارد؟
پیامبر اکرم ﷺ فرمود: آیا مادرت زنده است؟ گفت: نه!

فرمود: آیا خاله داری؟ گفت: آری! فرمود: به او نیکی کن. (روایت حاکم و ابن حبان)

• **صله رحم حساب و کتاب روز قیامت را ساده کرده و دمی را وارد بهشت می‌کند.**
رسول خدا ﷺ فرمود: «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَ فِيهِ حَاسِبُهُ اللَّهُ حَسَاباً يَسِيرًا وَأَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِهِ، قَالُوا: وَمَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! بِأَبَى أَنْتَ وَأُمِّي؟ قَالَ: تَعَطَّى مِنْ حَرَمِكَ، وَتَصَلَّ مِنْ قِطْعِكَ، وَتَعَفَّوْا»

عمن ظلمک، فإذا فعلت ذلک یدخلک الله الجنة». «سه خصلت وجود دارد که اگر در کسی باشد حساش در قیامت سهل است و خدای تعالی به سبب رحمتش او را به بهشت وارد می‌کند». گفتند: پدر و مادرمان به فدایت باد ای پیامبر گرامی خدا، آن سه خصلت کدامند؟ فرمود: «بخشیدن به آن کسی که از دادن چیزی به تو خودداری کرد و با کسی که قطع رابطه با تو نمود، ارتباط برقرار کنی و از آن کس که به تو بدی کرد درگذری، اگر این کارها را کردی آنگاه خدای تعالی تو را وارد بهشت خواهد کرد». (روایت بزار و طبرانی و حاکم)

همچنین آن حضرت < فرمودند: «لا یدخل الجنة قاطع رحم». «قاطع رحم وارد بهشت نمی‌شود»

8- خانواده و اقتصاد

تامین مخارج زن و فرزند بر مرد واجب است
این وجوب براساس کلام مقدس خدایتعالی است که می‌فرماید:

﴿وَعَلَىٰ آلِ مَوْدُودٍ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْأَلْمَعِ رُوفٍ﴾ [البقرة: 233].

«نفقه و پوشش شایسته زن (که بچه را بدنیا آورده و شیر می‌دهد) بعهدہ پدر بچه است».

و براساس گفته پیامبر عظیم الشان ما ص آنجا که می‌فرماید: «دینار أنفقتہ فی سبیل اللہ، و دینار أنفقتہ فی رقبۃ، و دینار تصدقت بہ علی مسکین، و دینار أنفقتہ علی أہلک ... أعظمها أجراً الذی أنفقتہ علی أہلک».

«دیناری در راه خدا می‌بخشی و یا در آزاد کردن بنده‌ای می‌دهی یا به مسکینی صدقه می‌دهی و یا برای تامین معاش و زندگی خانواده‌ات خرج می‌کنی، در نزد خدای عزوجل بیشترین پاداش مربوط به آن است که در تامین معاش و زندگی خانواده‌ات خرج کرده‌ای». (روایت از مسلم).

همانطور که تامین معاش و زندگی افراد خانواده نزد خدای متعال پاداش دارد به همان اندازه قصور در این امر و سخت‌گیری بر زن و فرزند در حالی که مرد توانایی مالی دارد، موجب گناه خواهد بود. و بشنوید کلام رسول گرامی خدا ص را که خطاب به کسانی که بر زن و فرزند خود سخت گرفته و زندگی را با خودداری از پرداخت وجوه مورد نیاز بر آنان تنگ می‌کنند و حیاتشان را آکنده از رنج و مشقت می‌نمایند چه می‌فرماید. در حدیث «ابو داود» و دیگران آمده است که پیامبر ص فرمود: «کفی بالمرء إثماً أن يضيع من يقوت».

«برای مرد همین گناه کافی است که نسبت به زن و فرزند و افراد تحت تکلفش خسیس و دست تنگ باشد».

و به روایت مسلم آمده است: «کفی بالمرء إثماً أن يحبس عمن يملك قوته».

«برای مرد همین گناه کافی است که از دادن مایحتاج افراد تحت تکلفش خودداری کند». منظور از ضروریات مایحتاج خانواده غذا، پوشاک و مسکن مناسب است تا فرزندان در معرض بیماری قرار نگرفته و از گرفتاری و مرض بدور باشند

در ρ می گوید: پس از جنگ احد دو شهید را با هم دفن می کردیم، پیامبر اکرم^ت «جابر»
مورد هر دو سؤال می کرد: کدام یک قرآن را بیشتر حفظ کرده است؟ و به هر کدام که
اشاره می شد، می فرمود: «او را اول در قبر بگذارید»

10- خانواده و محبت

11- خانواده و دیدار دوستان

(آداب سلام کردن)

آداب سلام کردن

سلام کردن آداب خاص خود را دارد، شایسته است که والدین و مربیان محترم کودکان
خود را به آن عادت دهند و در وجود آنان جایگزین سازند. آداب سلام کردن به ترتیب
زیر است:

أ) فرزند بداند که شرع مقدس اسلام به سلام کردن امر نموده است.
خدای تعالی در کتاب با عظمت و والای خویش می فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا
عَلَىٰ أَهْلِهَا) [النور: 27].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه‌ای داخل نشوید! مگر آنکه، اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید».

﴿فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ﴾ [النور: 61].

«پس هر گاه به منزلی وارد شدید بر خود سلام کنید! درودی از جانب خدا، پاک و پر برکت».

از رسول گرامی ﷺ پرسیدند: انجام دادن چه کاری از اسلام نیکوتر است؟ فرمود: «طعام بدهی و سلام کنی بر کسی که می‌شناسی و بر کسی که نمی‌شناسی».

و ایمان ندارید مگر آنکه یکدیگر را دوست داشته باشید. آیا شما را راهنمایی کنم که چگونه می‌توانید همدیگر را دوست بدارید؟ سلام کردن را بین خود رایج کنید».

(ب) فرزند کیفیت سلام کردن را یاد بگیرد
کسی که سلام کردن را آغاز می‌کند باید بگوید: «السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته» و کسی که جواب می‌دهد می‌گوید: «وعلیکم السلام ورحمة الله وبرکاته» هر چند صیغه سلام برای فرد سلام کننده و جواب دهنده جمع است در حالت مفرد و جمع یکسان بکار برده می‌شود. این کیفیت سلام کردن از احادیث رسول خدا ﷺ استنباط شده است که در اینجا ذکر می‌گردد:

مردی به خدمت نبی اکرم ﷺ رسید و گفت: «السلام علیکم» پیامبر خدا ﷺ جواب داد و فرمود: ده، دیگری آمد و گفت: «السلام علیکم ورحمة الله» پیامبر خدا ﷺ جواب داد و

فرمود: بیست و شخص سومی آمد و گفت: «السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته» آن حضرت جواب داد و فرمود: سی

(ج) کودک آداب سلام کردن را یاد بگیرد

سواره به پیاده و ایستاده به نشسته و تعداد کم به تعداد زیاد و کوچک به بزرگ سلام می‌کند پیاده اکرم ρ فرمود: «یسلم الراكب على الماشی، والماشی على القاعد والقلیل علی الكثير» «فرد سواره بر پیاده و کسی که ایستاده است بر فرد نشسته و تعداد کم به تعداد زیاد سلام می‌کنند».

و در روایت آمده است: «یسلم الصغیر علی الکبیر». «کوچک به بزرگ سلام می‌کند».

(د) کودک از سلام کردن شبیه به بیگانگان منع شود

نبی اکرم ρ فرمود: «لیس منا من تشبه بغيرنا، لا تشبهوا بالیهود ولا بالنصارى، فإن تسلیم الیهود الإشارة بالأصابع، وتسلیم النصارى الإشارة بالأکف». «کسی که غیر از مسلمان تقلید کند از ما نیست، از یهود و نصاری تقلید نکنید. سلام کردن یهودی بوسیله اشاره بوسیله انگشتان و سلام کردن نصاری با اشاره به بوسیله کف دست است».

نهی آن حضرت ρ به این دلیل است که ضرورت دارد امت اسلامی هویت و شخصیت متمایزی از سایر ملل داشته باشد که این تمایز در آداب اجتماعی و اخلاقی و شیوه زندگی بروز می‌کند.

(هـ) سلام را باید مربی آغاز کند

مربی اول اسلام حضرت محمد ρ پیامبر محبوب ما به کودکان سلام می‌کرد.

«انس ت» می گوید: پیامبر خدا ﷺ از کنار تعدادی از کودکان می گذشت بر آنان سلام کرد.
و در روایت «مسلم» آمده است که پیامبر خدا ﷺ از کنار بچه ها گذشت و به آنها سلام کرد.
«انس» می گوید: این عادت پیامبر ﷺ بود. (که به کودکان سلام می کرد)

و) کودک باید یاد بگیرد که جواب غیرمسلمان را با لفظ (علیکم) بدهد
رسول خدا ﷺ فرمود: «وقتی که اهل کتاب به شما سلام کردند بگوئید علیکم و همچنین
فرمود شما ابتدا به یهودی و نصاری سلام نکنید».

ز) کودک بداند سلام کردن سنت است اما جواب دادن واجب است
پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«کسی که سلام را جواب دهد، خیرش برای اوست و کسی که جواب ندهد از ما نیست».
ترمذی روایت می کند که از نبی اکرم ﷺ پرسیدند، دو مرد با هم ملاقات می کنند کدامیک از
آنها سلام کردن را آغاز می کند؟

فرمود: «أولاهما بالله تعالی». «آنکه بخدا نزدیک تر است».

و در روایت آمده است: «نزدیکترین مردم بخدا کسی است که قبل از همه سلام را آغاز
می کند».

شایسته است که مربی به کودک بیاموزد که سلام کردن به افراد زیر مکروه است:

کسی که وضو می گیرد، کسی که داخل حمام است، کسی که غذا می خورد، فردی که
می جنگد، کسی که تلاوت قرآن می کند یا ذکر خدا می نماید، فردی که در حج تکبیر
می گوید، خطیب جمعه در حال خطبه و واعظ مسجد یا جاهای دیگر در حال وعظ کسی که

بر فردی در حالت‌های فوق سلام کند جواب سلام او واجب نخواهد بود. لازم است که مریبان و والدین عزیز آداب سلام کردن را به طور کامل به فرزندان خود یاد دهند تا به این آداب اجتماعی عادت کنند و از آن در رابطه با مردم بهره گیرند.

تبریک گفتن به مناسبت اعیاد و مراسم و مناسبات مختلف دیگر
فرمود: کسی که دوستش را هنگام بازگشت از نماز جمعه می‌بیند، بگوید: پیامبر خدا
خدای تعالی عبادت تو و ما را قبول کند».

دادن هدیه در مراسم و مناسبات مختلف
رسول خدا < فرمودند: «به یکدیگر هدیه بدهید تا یکدیگر را دوست داشته باشید».
و فرمود: «ای همسران مؤمنین! به یکدیگر هدیه بدهید تا یکدیگر را دوست داشته
باشید».

و فرمود: «ای همسران مؤمنین! به یکدیگر هدیه بدهید، هر چند سم گوسفندی باشد، زیرا
باعث ایجاد مودت و محبت می‌شود و کینه را از بین می‌برد

پیامبر خدا ص فرمود:

«با همدیگر دست بدهید که حقد و کینه را می‌زداید و به یکدیگر هدیه بدهید که محبت ایجاد می‌کند و عداوت و دشمنی را از بین می‌برد».

پیامبر خدا ﷺ فرمود: «زمانی که دو فرد مسلمان با هم ملاقات می‌کنند و دست می‌دهند و خدای را سپاس می‌گویند و از او طلب بخشش می‌کنند، خدای تعالی آنان را می‌بخشد».

و نیز فرمود: «ما من مسلمین يلتقيان فيتصافحان إلا غفر لهما قبل أن يتفرقا».

«هر دو فرد مسلمان که برخورد می‌کنند و دست می‌دهند، خدای تعالی قبل از آنکه از هم جدا شوند آنان را می‌بخشد».

پیامبر خدا ص فرمود: «من لقي أخواه بما يحب ليسره بذلك سره الله عزوجل يوم القيامة».

«کسی که برای مسلمانش را با آن چیزی که دوست دارد مواجه نماید تا او را شادمان گرداند، خدای تعالی در روز قیامت او را مسرور خواهد ساخت».

و فرمودند: «إن من موجبات المغفرة إدخالك السرور على أخيك المسلم». «همانا شادمان کردن برادر مسلمانان از موجبات مغفرت است

نگاه کردن به جنس مخالف

جائز نیست که مرد بالغ به زن بیگانه‌ای نگاه کند، هر چند زن مذکور شهوت را برنیانگیزد اما منظور ما از زن بیگانه و مرد بیگانه چیست؟

مرد بیگانه: مرد بیگانه نسبت به زن کسی است که می‌تواند با او ازدواج کند، مانند پسر عمو، پسر عمه، پسر خاله، پسر دایی، شوهر خواهر، و شوهر خاله و ...

زن بیگانه: زن بیگانه نسبت به مرد کسی است که می‌تواند با او ازدواج کند، مانند دختر عمو، دختر خاله، دختر دایی، زن عمو، زن دایی، خواهر زن، عمه و خاله زن و ...

اصل تحریم نگاه کردن، بر اساس گفته مبارک خدای تعالی است که:

(قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ۖ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ۚ ۳۰ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ) [النور: 30-31].

«به مردان مؤمن بگو که چشمان خویش فرو گیرند و شرمگاه خویش نگه دارند، این برایشان پاکیزه‌تر است زیرا خدا به کارهایی که می‌کنند آگاه است. و به زنان مؤمن بگو که چشمان خویش فرو گیرند و شرمگاه خود نگه دارند...»

- طبرانی: پیامبر خداص در روایتی از پروردگارش عزوجل می‌فرماید: نگاه به نامحرم تیری از تیرهای شیطان است. کسی که آن نگاه را از ترس من ترک کند به جای آن ایمانی جایگزین خواهد کرد که حلاوت آن را در قلب خود احساس خواهد کرد.

- و همچنین فرمود: مردی که چشمش به محاسن زنی بیافتد و چشمش را ببندد، خدای تعالی آن را به عنوان عبادتی به شمار می‌آورد که حلاوت آن را در قلبش احساس می‌کند.

- و آن حضرت فرمودند: شش امر را در رابطه با نفس خویش برای من تضمین نمایید، من نیز بهشت را برای شما تضمین می‌کنم. هرگاه سخن گویند راست بگویند، و هنگامی که

قول دادید به آن عمل کنید، و امانتی را که به شما سپرده‌اند ادا نمائید، عورت خود را حفظ کنید و چشمهایتان را ببندید [در هنگام دیدن نامحرم] و دست نگه دارید [از فعل حرام].

- ام سلمه می‌گوید: من و میمونه نزد رسول اکرم ص بودیم که ابن ام مکتوم وارد شد - این حادثه بعد از نزول آیه حجاب بود - نبی اکرم ص فرمود: «خود را مستور سازید» گفتیم: ای پیامبر خدا، مگر ابن ام مکتوم کور نیست؟ نه ما را می‌بیند و نه می‌شناسد؟ فرمود: مگر شما دو نفر کورید؟ آیا او را نمی‌بینید؟

به نظر بعضی‌ها - خصوصاً تعدادی از غربی‌ها - چشم چرانی، اختلاط آزاد دختران و پسران، و سخنان کذائی با یکدیگر، شوخی‌های بی‌پرده و دیدن بخش‌های پوشیده بدن که موضع فتنه‌اند، نوعی تسکین است که باعث نشاط می‌گردد و تمایلات سرکوب شده را رها می‌سازد و نوعی پیش‌گیری از ایجاد عقده‌های روانی است، و مقداری از فشار غریزه جنسی را می‌کاهد و از شدت سایر عواملی که دوری از آن‌ها اجتناب‌ناپذیر است کم می‌کند.

کسانی که به چنین نظریات و افکار باطلی استناد می‌کنند، فراموش کرده‌اند که تمایل زن به مرد به جانب یکدیگر احساسی عمیق و فطری است که در وجود انسان به ودیعه گذاشته شده است تا زندگی و حیات انسانی بر روی زمین امتداد یافته و ادامه پیدا کند، و خلاف انسان در آن تحقق یابد. پس احساس جنسی نوعی تمایل است که گاهی شعله می‌کشد و زمانی فروکش می‌کند، و برانگیختن آن در هر لحظه سبب افزایش شدت آن می‌گردد و نهایتاً آدمی را مجبور می‌سازد که این آتش برافروخته را از وجود خود بیرون بفرستد و اصطلاحاً خود را تخلیه کند، اگر این تخلیه با رابطه جنسی برآورده نشود، رنجش

عصبی حاصل می‌گردد و فردی که تحریک شده است در معرض شکنجه دائمی قرار می‌گیرد.

نگاه، حرکت، خنده شوخی و حتی کلامی کوتاه درباره میل جنسی باعث برانگیخته شدن آن می‌گردد. طریقه مطمئن برای تقلیل این تحریک‌ها آن است که میل جنسی را در حدود طبیعی آن محدود سازیم، سپس سعی کنیم با شیوه‌ای مشروع - یعنی ازدواج - این نیاز طبیعی را برآورده سازیم. و به راستی بهترین راه همین راه است، طریقی که اسلام برای جنس بشر مطرح می‌کند و آرامش نفسانی خود را در این مسیر بدست می‌آورد، فکرش آرام و قرار می‌گیرد، اعصابش می‌آساید و با سایر انسان‌ها رابطه‌ای سالم و صحیح خواهد داشت.

و شاعر چه زیبا گفته است:

كل الحوادث مبدأها من النظر	ومعظم النار من مستصغر الشئ
كم نظرة فعلت في قلب صاحبها	فعل السهام بلا قوس ولا وتر
والمرء مادام ذا عين يقلبها	في أعين الغيد موقوف على خطر
يسر مقلته ماضر مهجته	لا مرحباً بسرور عاد بالضرر

آغاز تمامی حوادث از یک نگاه است مانند آتش عظیم که ابتدایش شعله‌ای کوچک است.

چه بسیار است نگاهی که مانند تیری در قلب صاحبش اثر می‌کند بدون آن که زهر و کمانی در کار باشد.

و مادامی که چشم آدمی بین چشمان دختران جوان می‌چرخد در معرض خطر خواهد بود.

نگاهش چشم او را مسرور می‌سازد اما به روحش ضرر خواهد زد، نفرین به سروری که سرانجامش تلخ‌کامی است.

و چه زیبا گفته است، پیامبر محبوب ماص که: «چشمان سه کس آتش را نخواهد دید: چشمی که در راه خدا پاسداری کرده است و چشمی که از خشیت خدای تعالی گریه کرده است و چشمی که از نگاه به محارم الهی بازداشته شده است

اعمال نامشروع

نبی اکرم ص آن‌ها را این‌گونه برمی‌شمارد:

«از زنا پرهیزید زیرا موجب چهار خصلت خواهد شد: زیبایی صورت آدمی را زایل می‌کند، موجب قطع روزی می‌گردد، خشم خداوند رحمان را برمی‌انگیزد و باعث جاودانه ماندن در آتش می‌شود». روایت طبرانی

خطر اخروی زنا آن است که فرد زناکار در هنگام زنا از محدوده ایمان خارج می‌شود. در روایت بخاری و مسلم از نبی اکرم ص آمده است که «زناکار در هنگام عمل زنا ایمان ندارد».

خطر دیگر زنا آن است که اگر فرد زناکار بر انجام این عمل منفور مصر باشد و توبه نکند و در همان حال هم بمیرد خداوند سبحان عذاب او را در قیامت دو چندان خواهد کرد، پروردگار متعال در سوره فرقان می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ۖ ٦٨ يُضَاعَفْ لَهُ ۖ أَثَامُهُ ۖ وَلَا يَخُفُّ عَنْهُ ۚ وَهُوَ فِي عَذَابٍ مُّهِينٍ﴾ [الفرقان: 68-69].

«و آنان که با خدای یگانه خدای دیگری را نمی‌خوانند و کسی را که خدا کشتنش را حرام کرده - مگر به حق - نمی‌کشند و زنان نمی‌کنند و هر که این کارها کند عقوبت گناه خود می‌بیند، عذابش در روز قیامت مضاعف می‌شود و تا ابد به خواری در آن عذاب خواهد بود».

و در اینجا دو نمونه از عفت و علو اخلاقی را برای شما جوانان بیان می‌کنم، که امیدوارم به عنوان الگو از آنان پیروی کنید.

نمونه اول: حضرت یوسف ۱ که در عنفوان جوانی و دوران نشاط و قدرت زندگی است، زنی زیبا و صاحب مقام او را به جانب خود دعوت می‌کند، درها بسته و همه چیز مہیای وصال است، قرآن کریم این چنین ماجرا را به تصویر می‌کشد:

﴿وَرَوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ﴾ [یوسف: 23].

«همان زنی که یوسف در خانه او بود، وی را به خویش دعوت کرد و درها را بست و گفت من برای تو آماده‌ام»

اما موضع و جواب یوسف^۱ در مقابل این حيله چه بود؟ فتنه‌ای که چشم و دل را می‌رباید. آیا دعوت زلیخا را بپذیرد و با ناموسی خیانت کند که او را نسبت به آن امانت‌دار می‌دانند؟ هرگز، یوسف گفت:

﴿مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ﴾ [یوسف: 23].

«پناه بر خدا (من به سرپرست خود خیانت نمی‌کنم) زیرا او حق تربیت به گردن من دارد و مقام مرا نیک نمود، به راستی که ستمکاران رستگار نمی‌شوند.»

زن پادشاه مصر تمامی حيله‌ها و نقشه‌های خود را به کار بست و از تمامی راه‌ها به گونه‌های مختلف مانند تهدید و فریب و غیره پیش رفت تا شاید بتواند صلابت و استواری و مقاومت یوسف را درهم شکند و به مراد خویش دست یابد و این موضوع را در حضور زنان میهمانش با خشم و کینه بیان نمود. قرآن این چنین بیان می‌دارد:

﴿وَلَقَدْ رَوَدَّتْهُ عَنْ نَفْسِهِ فَوَسَّسَ تَعَصَّمَ^۲ وَلَئِنْ لَّمْ يَفْعَلْ مَا^۳ أَمَرُهُ لَيُصْ^۴ جَنَّ وَلَيَكُونًا^۵ مِّنَ الصَّغِيرِينَ﴾ [یوسف: 32].

«(زلیخا گفت): من به جهت کام از نفس او، به او امر به مراوده کرده‌ام، اما او به عفت و عصمت چنگ زد و اگر دستور مرا به جای نیاورد، باید زندانی شود و به خواری و ذلت بیافتد».

اما «یوسف» این جوانمرد واقعی با تمامی وجود به جانب خدایش روی کرد و از او طلب عفت و عصمت و یاری برای مقابله با آن زن، نمود:

﴿رَبِّ السَّجِّانُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَىٰ هَٰذَا وَإِلَّا تُصْرِفْ عَنِّي كَيِّدَهُنَّ أَصَبُّ إِلَىٰ هُنَّ وَأَكُن مِّنَ آلِ جَاهِلِينَ ۝۳۳﴾ [یوسف: 33].

«پروردگارا؛ زندان نزد من محبوب‌تر از آن چیزی است که این زنان مرا به سوی آن می‌خوانند و اگر کید و دام آنان را از من نگردانی شیفته آن‌ها می‌شوم و از نادانان می‌شوم». آزمایشی بود بین ضمیر انسان مؤمن و ترس از پروردگار و گناهان اغواگر و هوسی فریبنده که در این میان، ایمان پیروز شد.^۸

خداوند متعال به متقین نیکوکار و مخلص، نظری خاص دارد، در هر گرفتاری، گشایشی و در هر شرایط سختی راه حلی پیش پای آنان خواهد گذاشت، زیرا خود فرموده است:

﴿وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ۚ وَيَرْزُقْهُ مِن حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾ [الطلاق: 2-3].

^۸ - نقل از کتاب (الإسلام والمشكلة الجنسية) - اسلام و مسائل جنسی - نوشته دکتر «مصطفی عبدالواحد».

«و هر کس از خدای تعالی پرهیزد (او را در تمامی اعمال در نظر داشته باشد) راه بیرون رفتنی برایش قرار می‌دهد (بیرون رفتن از گرفتاری و مخمصه) و او را از جایی که به حساب نیاورده روزی می‌دهد».

و می‌فرماید:

(وَلَّيْسَ تَعَفُّفٍ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغَنِّيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ) [النور: 33].

«و آنان که نمی‌توانند ازدواج کنند (امکانات ندارند) باید عفت ورزند، تا زمانی که خدای لا با فضل خویش آن‌ها را بی‌نیاز می‌سازد».

این پاکدامنی و رفعت و عظمت اخلاقی با آنچه که به نام «عقده حقارت جنسی» مطرح است بسیار فرق می‌کند. روانشناسان می‌گویند عقده حقارت جنسی نوعی سرکوبی حس تمایل جنسی است که بر اساس آن فرد از عمل جنسی متنفر می‌شود و در هنگام انجام عمل جنسی هر چند با یک ازدواج شرعی باشد، احساس گناه می‌کند و خود را سرزنش می‌نماید، اما این نوع خودداری از فعل حرام با این‌گونه احساس‌ها بسیار فرق دارد و ما در بحث ازدواج و ارتباط جنسی گفتیم: اسلام مجرد بودن را نکوهش می‌کند و از رهبانیت و انزوا متنفر است و ازدواج را نیز به عنوان عاملی جهت پاسخ‌گویی به ندای فطرت آدمی مطرح می‌کند، پس دیگر سرکوبی و عقده حقارت جنسی برچسبی است که با هیچ توجیهی به اسلام نمی‌چسبد.

پس جوانی که در خود احساس جنبش غریزه می‌کند، نیازش فقط به پناه بردن به خدا - با این فرض که حس جنسی فقط اندیشه‌ای مجرد است - برآورده نمی‌شود، زیرا اسلام با

واقع‌بینی تمام اعلام می‌کند که احساس جنسی نیازی طبیعی است که نمی‌توان آن را انکار کرد. پس یک جوان مسلمان نیازی ندارد که احساس خود را سرکوب کند و یا در هنگام شعله‌ور شدن آن احساس گناه کند، پس تمامی اضطراب و هیجان و احساس گناهی که امکان دارد در درون یک جوان به وجود آید، در این‌جا منتفی می‌شود احساس‌هایی که گاهی منجر به ناهنجاری‌های روانی و انحرافات اخلاقی و جنسی می‌شود.

اما باید به جنبه دیگری از قضیه هم توجه کنیم: با این‌که اسلام بروز چنین احساسی را در درون فرد گناه نمی‌داند، به فرد هم اجازه نمی‌دهد به محض احساس ندای غریزه، آن را به سرعت پاسخ گوید، به هر شکلی که باشد مشروع یا غیرمشروع، بلکه حدود مشخص و قواعد معینی برای ارضای آن قرار داده است که در چهارچوبه آن، برآوردن نیاز مباح، و در خارج آن حرام می‌باشد. این صحیح است که جوان نیروی غریزی خود را مهار کند اما این مهار کردن با سرکوبی تحقیرآمیز و عقده روانی بسیار تفاوت دارد، این مهار نمودن احساس را از ریشه بر نمی‌کند بلکه جولان و تحرک آن را برای مدتی معین محدود می‌نماید و بروز احساس را در درون حرام نمی‌داند.^۹

12- خانواده و کارهای خیر (عیادت مریض - کمک به نیازمندان)

از «براء بن عازب» روایت می‌کنند که: «أمرنا رسول الله ﷺ بعيادة المريض، واتباع الجنازة، وتشميت العاطس، وإبرار المقسم، ونصرة المظلوم، وإجابة الداعي، وإفشاء السلام». «رسول

^۹ - نقل از کتاب «الاسلام والمشكلة الجنسية» (اسلام و مسائل جنسی) تألیف دکتر مصطفی عبدالواحد.

خدا ص مسلمانان را به عیادت مریض، اتباع جنازه، تشمیت عطسه کننده، پذیرش قسم، یاری مظلوم، اجابت دعوت و سلام کردن امر نموده است».

و فرمودند: «حق المسلم على المسلم خمس: رد السلام، وعيادة المريض، واتباع الجنائز، وإجابة الدعوة، وتشميت العاطس».

«حق مسلمان بر مسلمان پنج چیز است: جواب دادن سلام، عیادت مریض، اتباع جنازه، اجابت دعوت و تشمیت عطسه کننده». (روایت بخاری و مسلم)

به این دلیل یاران گرامی حضرت رسول ص در امر دست یابی به خیر از هم پیشی می گرفتند که عیادت مریض از آن جمله است تا از پاداش بهشت بهره مند شوند و در جایگاه صدق در کنار آن پادشاه مقتدر باشند.

پیامبر محبوب ص ما فرموده است: «إذا دخلتم على مريض فنفسوا له في أجله (بطول العمر)، فإن ذلك لا يرد شيئاً، ويطيب نفسه». «هرگاه به عیادت مریض رفتید او را به طول عمر امیدوار سازید! بدانید که سخن شما چیزی را عوض نمی کند اما باعث آرامش بیمار خواهد شد

رسول خدا ص فرمود: «إذا دخلت على مريض فمره فليدع لك، فإن دعائه كدعاء الملائكة». «وقتی به عیادت مریض رفتی از او بخواه که برایت دعا کند، زیرا دعای مریض مانند دعای ملائکه است».

منابع :

چگونه فرزندان خود را تربیت کنیم؟ (جلداول و دوم)

مؤلف: عبدالله ناصح علوان ترجمه: عبدالله احمدی